

نشریه انجمن نجات

شماره ۴۸



فروردین ماه ۹۳

هر روز تان نوروز، نوروز تان پیروز



# نشریه انجمن نجات

شماره ۴۸



فروردین ۱۳۹۳

[WWW.NEJATNGO.ORG](http://WWW.NEJATNGO.ORG)

**E.MAIL: [info@nejatngo.org](mailto:info@nejatngo.org)**



| عنوان                                                                                | فهرست مطالب | صفحه |
|--------------------------------------------------------------------------------------|-------------|------|
| * وضعیت مجاهدین در سالی که گذشت ؛ شکست و حماقت                                       |             | ۷    |
| * مجاهدین خلق و چشم انداز پیش رو                                                     |             | ۱۳   |
| * گردهمایی اعضای جداشده در آستانه نوروز ۹۳                                           |             | ۱۵   |
| * مواظب مریم رجوی کلاهدار باشید ( نامه سرگشاده به خانم دژین دوفورژ )                 |             | ۱۷   |
| * مجاهدین و سال ۹۲ در یک نگاه                                                        |             | ۲۰   |
| * سرطان تشکیلات مجاهدین خلق (فرقه رجوی) !                                            |             | ۲۲   |
| * دست آوردهای بهاری در سال نو ۱۳۹۳ برای دوستان عزیزمان در آلبانی                     |             | ۲۳   |
| * دلایل مبسوطی دال بر خود شیفتگی و روان پریشی مزمن در مسعود و مریم رجوی              |             | ۲۶   |
| * ناکامی مجاهدین خلق ( فرقه رجوی ) در کلاهداری از احمد شهید                          |             | ۲۹   |
| * ساکنین لیبرتی در نامه مخفیانه خود تقاضای کمک کردند ( نامه سرگشاده به نوری المالکی) |             | ۳۰   |
| * شوی نوروزی رجوی در سنای آمریکا                                                     |             | ۳۲   |
| * درگیری های اخیر در لیبرتی برای سران فرقه نگران کننده است                           |             | ۳۴   |
| * درخواست مساعدت برای رفع نگرانی اعضای خانواده های اسیر لیبرتی                       |             | ۳۵   |
| * در خواست پارلمان اروپا برای ایجاد دفتر رسمی در تهران                               |             | ۳۷   |
| * یک روز کاری در جهنم اشرف                                                           |             | ۳۹   |
| * مرغ فرقه تروریستی مجاهدین فقط یک پا دارد؛ تناقض، جوهره اصلی تحلیل های رجوی         |             | ۴۲   |
| * پیام نوروزی مریم رجوی ، تکرار یک فانتزی                                            |             | ۴۴   |
| * تابلو سین = سرنگونی مریم قجر می ماند مثل صد آینه بدست و کچل زلفش شانه می کرد       |             | ۴۶   |
| * حماقتی که هر ساله تکرار می شود/ دخیل مجاهدین به «چهارشنبه سوری»                    |             | ۴۸   |
| * حضور شماری از خانواده های چشم انتظار گیلک در دفترانجمن نجات                        |             | ۴۹   |

| عنوان | فهرست مطالب | صفحه |
|-------|-------------|------|
|-------|-------------|------|

- |    |                                                                                         |
|----|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵۱ | * جواد کاظم الخالصی: نگرانی هایی مبنی بر استفاده از سازمان خلق علیه عراقی ها، وجود دارد |
| ۵۲ | * اخبار و ناگفته های کمپ پناهندگان در آلبانی                                            |
| ۵۴ | * انتظار برای مادری مثل من که سالهاست فرزندش را ندیده خیلی سخت است                      |
| ۵۵ | * به ما در آزادی گروگانهای رجوی از کمپ لیبرتی کمک کنید                                  |
| ۵۹ | * بیش از ۹۵ درصد از اعضاء فرقه رجوی به زور مانده اند!                                   |
| ۶۱ | * عربستان سعودی و اسرائیل از سازمان خلق برای ناامن کردن عراق استفاده می کنند            |
| ۶۲ | * آدرس استانها ( تلفن - فکس - صندوق پستی )                                              |



## وضعیت مجاهدین در سالی که گذشت ؛ شکست و حماقت

### حجت سیداسماعلی

#### عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین

عملیات دهم شهریور ۱۳۹۲ علیه ساکنان بی دفاع قرارگاه اشرف ، نقطه عطفی در مسیر تحولات اخراج مجاهدین از خاک عراق محسوب می شود. این عملیات در حالی صورت گرفت که پیشتر از آن مجاهدین در یک جنگ سیاسی بی سابقه با جادشدگان بویژه اعضای با سابقه سازمان بسر می بردند.

بنحویکه در یک عمل غیر منتظره و عجیب رجوی شخصا به میدان آمد و بر علیه تعدادی از جادشدگان هتاکی نمود.

در این میان نامه سرگشاده ۲۳۰ صفحه یی ایرج مصداقی به مسعود رجوی در اردیبهشت ۱۳۹۲، جدایی آقایان کریم قصیم مسئول کمیسیون محیط زیست و محمدرضا روحانی مسئول کمیسیون امور ملیت های شورای ملی مقاومت مجاهدین در ۱۵ خرداد ۱۳۹۲ رسوایی دیگری را دامنگیر مجاهدین کرد.

این جدایی ها که فضای بسته و دگم مناسبات حتی در بیرونی ترین لایه آن یعنی شورای ملی مقاومت مجاهدین و در راس آن عملکرد شخص رجوی را به چالش می کشید عرصه را بر مجاهدین هم در صحنه داخلی و هم محفل ایرانیان خارج کشور و همچنین در سطح بین المللی بیش از پیش تنگ کرد.

با اوج گیری فعالیت گروههای تروریستی در کشور سوریه و بسیج کشورهای غربی برای براندازی حکومت قانونی بشار اسد مجاهدین نیز همسو با سیاست های آمریکا در خاورمیانه خط سوزیه کردن ایران را حول سه مؤلفه "حقوق بشر و زندانیان سیاسی"، "فعال کردن اعتراضات صنفی و مدنی در ایران" و "مناقشه هسته ای ایران با

غرب" را پی گرفتند.

در همین رابطه مجاهدین علاوه بر بسیج فعالیت هایشان در سیمای آزادی برنامه تلویزیونی این گروه و انجام تبلیغات گسترده علیه حاکمیت بشار اسد و با نام بردن از گروههای تروریستی تحت عنوان "رزمندگان ارتش آزادیبخش سوریه" به اقدامات وسیع دیگری نیز دست زدند.

راه اندازی انواع و اقسام کمپین در خصوص موضوعات فوق الذکر در شبکه اجتماعی فیسبوک ، ایجاد جنگ روانی همسو با اهداف غرب بویژه آمریکا در مسیر سرنگونی دولت بشار اسد و تلاش برای پیوند دادن آن با دولت جمهوری اسلامی ایران ، ایجاد وبلاگ ها و سایت های همسو با فعالیت های مجاهدین و ... از جمله اقدامات عملی مجاهدین در این فاز بود.

در چنین فضای تبلیغاتی بود که رهبری مجاهدین از همان ابتدای سال ۱۳۹۲ همراه با تلاش برای بازگشت به قرارگاه اشرف استراتژی جدید "تشکیل ارتش آزادیبخش ملت ایران" و "هسته های مقاومت" در داخل کشور را نیز اعلام کرد. ادعایی که خیلی زود باعث رسوایی مجاهدین و بویژه شخص رجوی شد.

چرا که نه از "ارتش آزادیبخش ملت ایران" خبری شد و نه از "هسته های مقاومت".

با این افتضاح بالا آمده، رجوی مجبور شد در ترفند دیگری و همزمان با گرم شدن فعالیت های انتخاباتی در داخل کشور به شعار "فراخوان به اعتراض و قیام - هر فرصت ، هر زمان، هر مکان" بسنده کند تا بتواند از زیر بار این ادعا و قول و قرارهای باصطلاح سرنگونی در سال ۹۲ شانه خالی کرده و خود را خلاص کند.

در کنار این اقدامات ، فعالیت های باصطلاح دیپلماتیک مجاهدین نیز که در راس آن مریم رجوی قرار داشت بی وقفه در پیشبرد خط جدید سازمان ادامه داشت.



مجاهدین وارد آمد و مهر پایانی بر استراتژی باصطلاح جنگ آزادیبخش گذاشته شد.

رهبری مجاهدین برای سرپوش گذاشتن بر شکست استراتژی "جنگ آزادیبخش نوین" در خاک عراق که با بسته شدن در قرارگاه اشرف محقق شده بود، بلافاصله شعار "۱۰۰۰ - ۱۰۰ - ۳ - ۲ - ۱ اشرف می سازیم" را در راستای روحیه دادن به نیروهایش بر سر زبانها انداخت .

ضمن اینکه تلاش کرد در واکنش به این عمل، هم در لیبرتی و هم در چند کشور اروپائی اعضای خود را وادار به اعتصاب غذا با هدف آزادی باصطلاح ۷ گروگان اشرفی کند.

مجاهدین در طی این مدت تمامی دستگاه تبلیغاتی خود، اعم از فضای مجازی و فعالیت های دیپلماتیک شان در سطح بین المللی را پشت پرژه اعتصاب غذا آوردند تا شاید با بدست آوردن حمایت های بین المللی به بهانه باز گردان ۷ عضو ربوده شده آبروی سیاسی از دست رفته را نیز برگردانند.

ولی در عمل نه تنها چیزی بدست نیاورند بلکه باعث مسئله داری اعتصاب کنندگان و دیگر اعضای سازمان هم شدند.

مجاهدین حتی تلاش کردند سفر آقای مالکی به واشنگتن در روز جمعه دهم آبان ۱۳۹۲ را نیز با به راه اندازی تظاهرات اعتراضی تحت تاثیر قرار دهند. ولی عملاً در این زمینه نیز موفقیتی بدست نیاورند. پایان اعتصاب غذا نهایتاً بعد از ۱۰۸ روز در اطلاعیه یی به تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۶ شورای ملی مقاومت مجاهدین، اعلام شد.

در این اطلاعیه مریم رجوی از پیروزی بزرگی خبر می داد که بواسطه اعتصاب غذای اعضای سازمان در لیبرتی و چند کشور اروپائی نصیب این گروه گردیده بود؟!

برگزاری کنفرانس ها ، حضور در پارلمان برخی کشورهای اروپائی ، دیدار با حامیان سیاسی و استیجاری شان از کشورهای مختلف اروپائی و آمریکا در این مسیر انجام می گرفت.

ناتوانی غرب در براندازی حاکمیت سوریه و انعقاد توافق هسته ای ژنو در سوم آذر ۱۳۹۲ که امید مجاهدین به شروع جنگ بین ایران و غرب بر سر مناقشه هسته ای را بر باد می داد ، باعث بن بست مجاهدین در پیشبرد خط سوریزه کردن ایران شد. افشاگریهای هسته ای در آستانه شروع دور نهایی مذاکرات ژنو از جمله تلاش های بی حاصلی بود که مجاهدین در اوج درماندگی و سردرگمی بدان دست زدند تا شاید بتوانند بر روند مذاکرات تاثیر گذاشته و با پشتیبانی برخی کشورهای منطقه همچون عربستان سعودی و اسرائیل آنرا به شکست بکشانند.

در چنین شرایطی از سردرگمی استراتژیکی بود که عملیات دهم شهریور ۱۳۹۲ مجاهدین را تا مدتها به کُما برد.

بنحویکه مریم رجوی در تاریخ ۱۲ شهریور ۹۲ در اطلاعیه شماره ۲۱ باصطلاح شورای ملی مقاومت با واماندگی گفت :

"... یورش مسلحانه به اشرف سوزاندن راه حل بازگشت به اشرف و هموار کردن مسیر حملات بعدی به لیبرتی هدف مشترک حکومت عراق و رژیم آخوندی از قتل عام اول سپتامبر است ..."

در نتیجه مجاهدینی که تا پیش از این به هر بهانه ای از تخلیه قرارگاه اشرف طفره می رفتند و هشدارهای دولت عراق را جدی نمی گرفتند تنها بفاصله ۱۰ روز از عملیات ، مجبور به تخلیه بی سر و صدای قرارگاه اشرف شدند.

بدین ترتیب با کشته شدن ۵۲ تن و مفقود شدن ۷ نفر که مسئول مستقیم آن شخص رجوی بود ، مجاهدین دست از پا درازتر قرارگاه اشرف را تخلیه و ۴۲ تن باقیمانده را به لیبرتی انتقال دادند. بدین ترتیب آن ضربه بنیادین بر پیکره تشکیلات



بین المللی به آنان عیان شد، امری که طبعاً برای رهبری مجاهدین مطلوب نبود، تا آنجا که مریم رجوی در خیلی از سخنرانی هایش در همین مقطع از اینکه هیچ یک از دولت مردان آمریکایی و اروپائی و مسئولین سازمان ملل توجهی به خواسته های اعتصابیون (مجاهدین) نکرده اند به اشکال گوناگون و با صراحت شکوه و شکایت کرد. بدین ترتیب باید گفت اگر روزی بدلیل عدم شناخت کافی جامعه بین المللی از تشکیلات فرقه ای مجاهدین، استراتژی خشونت در شکل تدافعی آن (خودزنی) از جمله خودسوزی در سال ۲۰۰۳ جواب می داد، اکنون بعد از گذشت ده سال از آن واقعه، تلاش مجاهدین برای یک باج خواهی دیگر از جامعه بین المللی و این بار در قالب اعتصاب غذا به به شکل فضاقت باری شکست خورد.

شکست استراتژی تخریب رابطه ایران با غرب به ویژه با اهرم هسته ای و موضوع نقض حقوق بشر در ایران، همچنین ناکامی در همسویی با گروههای تروریستی در کشور سوریه و از دست دادن قرارگاه اشرف و نیز تلاش برای پیوند دادن این گروه با مسائل داخلی از طریق موضوع زندانیان سیاسی و یا مانور دادن بر روی توهمی به نام "ارتش آزادیبخش ملت ایران" مجاهدین را بر آن داشت تا در اردوی کشورهای عربی حامی گروههای تروریستی در منطقه خاورمیانه و به طور خاص در سوریه از جمله عربستان سعودی قرار گیرد.

این پروژه با سخنرانی مریم رجوی در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۷ در جمعی از نمایندگان پارلمان اردن در پاریس کلیک خورد.

مریم رجوی مدعی شد که « سیستم موشکی ایران که بخش عظیمی از بودجه کشور را تحلیل برده، هدفش نه تل آویو است، نه لندن و واشنگتن، بلکه پایتختهای عربی است، همچنانکه هدف رژیم، از دستیابی به سلاح اتمی هم قبل از هر چیز، اعمال

به گفته مریم رجوی این پیروزی بزرگ " به دنبال قطعیت حکم دادگاه اسپانیا علیه فالج فیاض، مشاور امنیت ملی مالکی، به خاطر مسئولیت مستقیم در کشتار اول سپتامبر ۲۰۱۳ و اعدام جمعی ۵۲ تن از مجاهدان و به گروگان گرفتن ۷ تن و به اتهام جنایت علیه جامعه بین المللی ... " بدست آمده بود.

ولی واقعیت این بود آنچه که مریم رجوی را وادار کرد بشکل مفتضحانه ای پایان اعتصاب غذای مجاهدین را اعلام کند نه باصطلاح محکومیت آقای فالج فیاض مشاور امنیت ملی عراق در دادگاه اسپانیا بلکه بی توجهی جدی جامعه جهانی و دولتمردان کشورهای اروپائی، سازمان ملل و ایالات متحده به باج خواهی های رهبری شکاف زی مجاهدین بود که با توجه به شکل گیری سیاست های جدید منطقه ای و بین المللی و همچنین بواسطه شناختی که از مناسبات فرقه ای و بغایت ضد انسانی تشکیلات مجاهدین بدست آورده اند، توجیه پذیر است.

بدیهی است حکم دادگاه اسپانیا که بهانه مریم رجوی شده بود، بیشتر شکلی و نمادین بود و اساساً جنبه حقوقی نداشت.

جالب توجه اینکه در نیمه اول اسفند ۹۲ پارلمان اسپانیا با صدور قانون جدیدی، حکم دادگاه این کشور برای مشاور امنیت ملی عراق را که با لابی مجاهدین صادر شده بود بی اعتبار کرد.

در همین رابطه روزنامه هرالد تریبیون آمریکای لاتین نوشت، پارلمان اسپانیا به تازگی قانونی را تصویب کرده است که بر اساس آن دستگاه قضایی این کشور دیگر نمیتواند حکم تعقیب و احضاریه برای افراد غیراسپانیایی صادر کند.

بنابراین مجاهدین نه تنها در این پروژه چیزی بدست نیاوردند بلکه از رسوایی و بی آبرویی آنان در انتظار پرده برداری شد و بی اعتنایی جامعه



هژمونی خود بر جهان اسلام و جهان عرب است.» وی با دادن پیشنهاد برای تشکیل جبهه ضد ایرانی، طرح خود را علنی نموده و گفت: «قلب موضوع این است که رژیم، دشمن اصلی تمام کشورهای عرب و مسلمان است.» «درست به همین دلیل، راه حل در برابر آن، تشکیل جبهه یی علیه این رژیم و تروریسم و بنیادگرایی تحت هدایت آن است.

این جبهه، مقابله با خیزی است که آخوندها برای به آتش کشیدن کل منطقه برداشته اند. برای تشکیل این جبهه، ما کشورهای عرب و مسلمان را به همبستگی با مردم و مقاومت ایران فرا می خوانیم... این جبهه، چیزی است که آخوندها به شدت از آن وحشت دارند.

به همین دلیل در روابط دیپلماتیک خود، بارها و بارها هر گونه رابطه با مجاهدین را مرز سرخ اعلام کرده اند. زیرا می دانند که همبستگی کشورها و دولتهای منطقه با مجاهدین، به سرعت به تشکیل چنین جبهه یی راه می برد.

بدین ترتیب مجاهدین وارد فاز همکاریهای عملی با کشورهای عرب منطقه در مرزهای شرقی ایران شده و برای شروع کارشان از فعالیت گروه تروریستی «جیش العدل» در شرق کشور حمایت رسمی کردند.

مجاهدین در تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۲ در سایت رسمی خود تحت عنوان "اذعان سپاه پاسداران به دریافت ضربات سنگین در منطقه سراوان از فرزندان دلیر مردم سیستان و بلوچستان" حمایت خود را از گروه تروریستی جیش العدل به نمایش گذاشته و اقدام به درج اطلاعیه این گروه مزدور در سایت رسمی خود کرد.

نکته قابل توجه اینکه سایت مجاهدین به نقل از اطلاعیه این گروه می نویسد: "... سازمان جیش العدل همچنین اعلام می دارد که این عملیات انتقام خون مظلومان و ستمدیدگان سوریه است که

توسط سپاه پاسداران و ایادیش با بی رحمی کشته می شوند و سازمان جیش العدل خود را در کنار مظلومان و ستمدیدگان سوریه می داند و به برادران مجاهد سوری اعلام می نماید که از جهاد و مبارزه آنها علیه جنایتکاران... حمایت می نماید.

البته کار تنها به اینجا ختم نشد. در داخل خاک عراق نیز، بویژه بعد از بسته شدن در قرارگاه اشرف، مجاهدین با تمام توان تبلیغاتی و سیاسی از گروههای تروریستی در خاک عراق حمایت کردند که همچنان ادامه دارد و سعی می کنند در رسانه های تبلیغاتی شان با "عشایر مبارز" خواندن گروه تروریستی "داعش" جبهه آنان را علیه دولت آقای مالکی تقویت کنند.

از دیگر اقدامات مجاهدین در این رابطه می توان به برگزاری جلسه مشترک بین نمایندگان مجاهدین با برخی از نامزدهای فهرست عراقیه و ائتلاف متحدون در بهمن ۹۲ در خاک اردن نام برد.

گفته می شود هدف از آن بررسی انتخابات آینده عراق بوده است و «ظافر العانی» عضو فهرست متحدون، «حیدر الملا»، «صالح المطلق» معاون امور خدماتی نخست وزیر، و «خمیس الخنجر»، بازرگان عراقی و حامی مالی العراقیه، از جمله کسانی بوده اند که در این نشست حضور داشته اند.

در این جلسه نمایندگان مجاهدین خواستار تلاش این چهره های سیاسی برای ادامه حضور اعضای این گروه در عراق در صورت موفقیتشان در انتخابات شده اند.

اقدام دیگر مجاهدین که از چشم دولت مردان عراق دور نماند، برگزاری کنفرانسی با شرکت چند عضو پارلمان اروپا در تاریخ ۳۰ بهمن ۹۲ همراه با بازیگر اصلی طارق الهاشمی و به مدیریت استرون استیونسون رئیس "گروه پارلمانی رابطه با عراق" بود.



آنچه که در این پروژه مد نظر مجاهدین بود اینکه بتوانند دولت آقای مالکی را با حامیان استیجاری خود در پارلمان اروپا تحت فشار گذاشته و برای دولت وی اپوزیسیون سازی کنند.

شکست در تمامی عرصه های تنازع برای بقا، مجاهدین و در راس آن مریم رجوی را بر آن داشت تا در ماههای پایانی سال ۱۳۹۲ دست به فعالیت های جدی تری بزنند تا ضمن جلوگیری از وجه المصلحه شدن در مذاکرات هسته ای بین ایران و غرب، تحرک جدیدی را برای مطرح شدن آغاز کنند.

در نیمه اول بهمن ۹۲ کنفرانسی در سنای آمریکا برگزار شد و تعدادی از حامیان استیجاری مجاهدین از جمله هوارد دین، ژنرال جیمز جونز، سرهنگ کنتول و سفیر رابرت جوزف در این کنفرانس سخنرانی کردند.

آنها بشدت تلاش داشتند ضمن یادآوری خدمات مجاهدین به آمریکا و همچنین اینکه آنها تحت حفاظت کنوانسیون چهارم ژنو هستند، وظایف آمریکا در قبال اعضای این گروه در عراق را یادآوری کنند.

گردهمایی جوامع ایرانیان مقیم آمریکا در کالیفرنیا در پاریس و در حضور مریم رجوی و سخنرانی تعدادی از حامیان مجاهدین اوج این فعالیت ها در روزهای پایانی سال ۱۳۹۲ را نشان می داد.

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱ شبکه ماهواره ای مجاهدین خبر از گردهمانی جوامع ایرانیان مقیم آمریکا در کالیفرنیا و سخنرانی تعدادی از حامیان استیجاری خود بنام های تام ریج، اد رندل و پاتریک کندی داد.

بنظر می رسد منفوریت مجاهدین در بین ایرانیان و افشاگریهای بی امان جادشندگان در سطح کشورهای غربی باعث شده است که مجاهدین برای کسب اعتبار از دست رفته و برای نشان دادن اینکه در میان ایرانیان وجاهتی دارند دست به چنین

اقدامی زده است تا ضعف خود را در مقابله و پاسخگویی با جادشندگان و بویژه دو عضو مستعفی شورای ملی مقاومت یعنی آقایان کریم قصیم و محمدرضا روحانی را با کشاندن بازی به زمین هواداران حاشیه ای خود در خارج تحت نام «کنوانسیون ایرانیان خارج از کشور» بکشاند.

ابتدایی ترین انگیزه این حرکت قطعاً به ابعاد گسترده و کم نظیر افشاگریهای جادشندگان در سال ۱۳۹۲ مربوط می شود که شاید بتوان گفت از سالهای ابتدایی دهه هفتاد به این سو سابقه نداشته است و لذا رهبری فاسد مجاهدین که می داند در این برهه حقایقی از پرده برون افتاده است که هیچگاه پیش از این با چنین صراحتی و با وجود شاهدان بی شمار به سمع و نظر افکار عمومی نرسیده بوده، می کوشد با این ترفند وانمود کند که افشاگریها بی ثمر بوده و شاهدش هم جوامع ایرانیان خارج از کشور است.

اما باید گفت حرف دل مجاهدین را آقای تام ریج وزیر امنیت سابق آمریکا که از حامیان استیجاری مجاهدین است البته با ملاحظاتی در همین کنوانسیون به زبان رانده است.

وی می گوید: "... شاید برخی اوقات بنظر برسد که این انقلاب متوقف یا کمی آهسته تر به پیش می رود ..."

مضحک ترین بخش از فعالیت مریم رجوی در سال ۱۳۹۲، سخنرانی وی در مقرر اروپایی ملل متحد در ۱۴ مارس ۲۰۱۴ برابر با ۲۴ اسفند ۹۲ در خصوص نقض حقوق بشر در ایران بود.

در این سخنرانی آنچه که محور اصلی صحبت های مریم رجوی را تشکیل می داد ارجاع پرونده نقض حقوق بشر ایران به شورای امنیت بود.

ولی ظاهراً فراموش کرده بود پیشتر از آن و در تاریخ ۲۶ ژانویه (ششم بهمن ۹۲) که هیئت ویژه سازمان ملل برای همیاری در عراق - یونانی - با همکاری دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان



چرا که می دانند انتقال گروهی به آمریکا و یا اروپاست که امری محال و نشدنی است و آنچه تاکنون اتفاق افتاده تنها انتقال تعداد کمی از ساکنان لیبرتی به کشورهای ثالث از جمله آلبانی، آلمان و ایتالیا است.

بنابراین تبلیغات وسیع مجاهدین برای انتقال گروهی به کشورهای اروپائی و آمریکا صرفاً برای کاستن از بار فشار روحی و روانی خانواده های مجاهدین و جلوگیری از نتیجه گیری مراجع بین المللی در مقصر شناخته شدن رهبران مجاهدین به عنوان مانع اصلی انتقال ساکنان لیبرتی به خارج از عراق است.

اما آنچه در میان انواع و اقسام بی آبرویی ها و شکست های پی در پی این گروه برجسته است، همان اوهام و خیال پردازیهای رهبری کوتوله مجاهدین برای سرنگونی است.

مریم رجوی در حالی شعار سرنگونی در سال ۱۳۹۳ را سر می دهد که هنوز شعار "تغییر در ایران در سال ۲۰۱۳" یعنی در سال ۱۳۹۲ را تعیین تکلیف نکرده است.

شاید آن همه کف زدن ها برایش در هنگام اعلام شعار سرنگونی در سال ۹۳، ناشی از نگاه عاقل اندر سفیه "شیفتگان وی" در تحویل سال نو در اورسورواز باشد.

۱۳۹۳/۱/۱۱

ملل در عراق گزارش نیمه اول سال ۲۰۱۳ - ژانویه تا ژوئن ۲۰۱۳ - را در روز ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴ منتشر کردند، بخشی از آن گزارش را نیز به نقض حقوق بشر توسط مسئولین مجاهدین در لیبرتی اختصاص داده بودند.

در بخش پایانی این گزارش آمده بود: «... یونامی در رابطه با نقض حقوق بشر در کمپ لیبرتی توسط مسئولین مجاهدین نگران است.

این اتهام ها توسط ناظران سازمان ملل در جریان مصاحبه های انجام شده با ساکنان مطرح شده . توسط مردی مسن که کمپ لیبرتی را ترک کرده . همچنین در تعدادی گفتگوهای خصوصی با ساکنان فعلی کمپ لیبرتی.

با وجود اینکه مسئولین کمپ سعی دارند مانع چنین گفتگوهایی بشوند ، مجاهدین که یک ساختار سلسه مراتب و اتوریتر دارند، محدودیت های سختی روی حقوق ساکنان اعمال می کنند :

مثل حق آزادی رفت و آمد در داخل کمپ و حق ترک کردن ارگانیزاسیون و حق ارتباط آزاد، محدودیت ارتباط با اعضای خانواده - حتی در رابطه با خانواده هایی که با هم در کمپ لیبرتی ساکن هستند - دسترسی به ارتباطات عمومی و پایه ای و دسترسی به مراقبت های پزشکی و درمان.»

در این میان موضوع انتقال گروهی ساکنان لیبرتی به کشور آمریکا نیز از جمله ترفند های رهبری کوتوله مجاهدین در سال ۹۲ بود که توسط حامیان استیجاری شان پیش برده می شد.

هر چند در ظاهر امر فعالیت مجاهدین برای ایجاد شرایط مناسب ماندن در عراق و تلاش برای انتقال ( به صورت جمعی) به آمریکا دو رفتار متناقض بنظر می رسد ولی در اصل هدف ماندن در خاک عراق است.

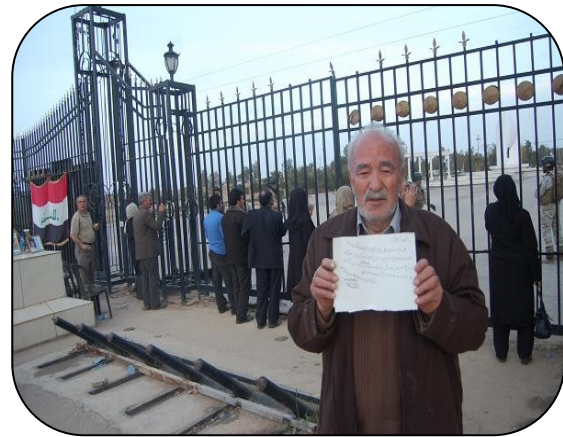
اما این گروه به خاطر ادعای داشتن نیروهای مبارز در عراق و قدرت لابی‌گری در اروپا و آمریکا همیشه به عنوان یک بازیگر سیاسی مطرح بوده است و برخی از گروه‌های سیاسی ذی نفوذ در اروپا و آمریکا به این گروه به عنوان بدیلی برای حکومت نگاه می‌کرده‌اند.

با بسته شدن کمپ اشرف، سازمان مجاهدین خلق یکی از سرمایه‌های محوری خویش را از دست داده است. اکنون پرسش آن است که این جریان از اینجا به کدام سو حرکت خواهد کرد؟ چالش‌های عمده این سازمان در شرایط امروز کدامند؟

زندگی در انزوا و درون یک گروه اجتماعی بسته که از خانه‌های تیمی در دهه پنجاه شروع و به شکل بزرگ تر آن به صورت کمپ اشرف خود را متبلور ساخت مجاهدین را به کنار گذاشتن ایده جنبش‌های توده‌ای و در آمدن در چارچوب یک فرقه بسته مذهبی - مافیایی به واسطه نوع و روش‌های مبارزه کشاند. پیگیری مشی مسلحانه برای مبارزه و عدم پیروی از منطق مبارزات غیر خشونت آمیز حتی پس از تحویل سلاح در سال ۲۰۰۳ یا رهبری فرهمند که مستلزم شیفتگی و خودسپاری پیروان به رهبر است از سوی دیگر در کنار تمامیت طلبی رهبر مجاهدین و ضعف‌های اخلاقی و سیاسی او، مجاهدین را از یک سازمان سیاسی به یک فرقه بسته مذهبی - مافیایی تبدیل کرد.

مجاهدین خلق هنوز تحولات درون نظام سیاسی ایران و دینامیسم این تحولات را جدی نمی‌گیرند. نکته‌ای که در اینجا به طور کلی مغفول مانده فاصله آهنگ تحولات مجاهدین خلق با آهنگ تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران است.

غیر از تاریخ پر از فراز و نشیب و اشتباهات راهبردی مجاهدین خلق (هم پیمانی با یک دیکتاتور قصاب در شرایط جنگی علیه کشور و



مجاهدین خلق و چشم انداز پیش رو

## شهرز تاجبخش، ایران قلم، ۲۲ فرورین ۹۳

پس از سرنگونی صدام حسین دیکتاتور سابق عراق، تعدادی از فرقه‌های تروریستی که فعالیت‌های منطقه‌ای و جهانی داشتند، حامی و پدر خوانده خود را از دست دادند، یکی از این فرقه‌ها سازمان مجاهدین خلق بود.

رویکرد فرقه گرایانه مجاهدین در داخل تشکیلات خود و اندیشه‌ی متحجرانه این جریان، سرکوب اعضای ناراضی و تلاش برای حذف منتقدین، نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر و فعالیت‌های تروریستی در داخل ایران و انبوهی دلایل دیگر باعث شده است که در میان گروه‌های سیاسی بدیل جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق دارای کمترین محبوبیت در داخل کشور باشد.

وضعیت امروز چندان روشن نیست، اما روشن است که اعضای این گروه در مقایسه با روشنفکران دینی، مارکسیست‌ها، نیروهای ملی، فعالان حقوق بشر، فعالان زن، و فعالان دانشجویی کمترین حضور را در فضای گفتمان عمومی در داخل و خارج کشور دارند (به طور مثال در حوزه کتاب، مقالات و یادداشت‌ها و تولید فرهنگی و هنری).



نزدیک به هشتاد درصد اعضای مجاهدین ،  
بر خلاف میل شان در کمپ نگه داشته می شوند.

در مثلث مجاهدین - عراق - جامعه بین الملل ،  
حکومت عراق نقش خطیری بازی می کند چرا که  
سازمان بیش از سی سال است که بخشی از خاک  
سرزمینش را اشغال کرده است ، مقامات و مردم  
عراق شدیداً مخالف حضور نیروهای خارجی در  
کشورشان هستند و بدیهی است که عراق دیگر  
برای مجاهدین جای مناسبی نیست .

تصور کنید که اعضای سازمان مجاهدین خلق  
شرایط پناهندگی بگیرند یا بتوانند به دلخواه خود به  
ایران و نزد خانواده شان باز گردند یا در کشور  
سومی اقامت گزینند ، چه بر سر همه آن سالهای  
شستشوی مغزی و نشست های انتقادی و خود  
انتقادی و آموزه های مسعود رجوی خواهد آمد؟

چه بر سر ماهیت و موجودیت مجاهدین خلق  
خواهد آمد؟

آیا بدون ظرف ایدئولوژیکی به نام اشرف یا لیبرتی  
می توان سه هزار نفر عضو را همچنان تحت  
کنترل سیستم مغز شوئی رجوی ها داشت یا باید  
فاتحه رجوی و سازمانش را خواند؟

نگرش منفی اکثریت مردم ایران به سازمان و  
سیاستهایش در دهه شصت به واسطه این اشتباه)  
عواملی وضعیت امروز آنها را پیچیده ساخته است.

دول ایران ، عراق ، ایالات متحده و برخی  
دولت های اروپایی ، سازمان ملل ، مردم کوچه  
و بازار ایران ، فعالان سیاسی خارج کشور ، و اعضا  
که در نقاط مختلف دنیا پراکنده اند ، افکار عمومی  
اپوزیسیون و مخالفانی که در دو دهه اخیر در خارج  
از کشور رشد و نضج یافته اند ، عموماً نگرشی منفی  
به مجاهدین خلق دارند و نیز درگیری با قوانین  
درون کشورهای مختلف اروپایی ، ایالات متحده ،  
و عراق که این سازمان را تروریستی می دانند و به  
عنوان سازمان و یک هویت جمعی نمی پذیرند.

اما مسئله ای که مهم ترین موضوع برای پیگیری  
است وضعیت مبهم اعضای اسیر در داخل  
تشکیلات مجاهدین است .

مقامات بین المللی باید بدانند که چالش های آنها  
تا روزی که سران مجاهدین به اعضا اجازه ندهند  
که برای آینده خود تصمیم بگیرند ، ادامه خواهد  
داشت و متأسفانه آن روز معین نیست.

در گذشته رهبری مجاهدین خلق از اجازه دادن به  
بیشتر ساکنان برای تقاضای پناهندگی یا صحبت  
کردن با نمایندگان کمساریای عالی پناهندگان  
بدون حضور مسئولان مجاهدین خلق سر باز زده  
است .

اعضای مجاهدین خلق که در حال حاضر در کمپ  
لیبرتی به مانند گروگان نگه داشته می شوند ،  
سزاوار ترحم و همدردی هستند.

جامعه بین الملل باید نگران سرنوشت آنها باشد چرا  
که عملاً آنها هیچ نماینده ای ندارند و سران  
مجاهدین هرگز صدای واقعی آنها را به گوش  
نهادهای بین المللی نخواهند رساند.



## گردهمایی اعضای جداشده درآستانه

نوروز ۹۳

## انجمن نجات مرکز خوزستان ، چهارشنبه

۲۸ اسفند ۱۳۹۲

روزجمعه ۲۳ اسفندماه درآستانه فرارسیدن بهاری دیگر ، بهاری واقعی و عاری از زندان و اسارت ذهنی و عینی رجوی ها ، جمعی از اعضای جداشده از فرقه برده ساز رجوی در گردهمایی که در دفتر انجمن نجات خوزستان برگزارشده بود شرکت کردند تا یکبار دیگر بهارآزادی خود را با ساعتی درکنار هم بودن جشن بگیرند.

در این گردهمایی که در یک فضای صمیمی برگزار شد ابتدا اعضای انجمن به اعضای جدا شده دیگر خیر مقدم گفته و پیشاپیش فرا رسیدن بهار سبز طبیعت را به همه اعضاء تبریک گفته و ابراز امیدواری کردند تا با تلاش و پیگیری و افشای ماهیت ضدبشری فرقه رجوی بهار سرسبز آزادی را از پس زمستان سرد و سیاه رجوی ها برای اسیرانی که در اسارت این فرقه جهنمی هستند به ارمغان بیاورند.

در این گردهمایی کلیه اعضای جداشده ابتدا تشبثات و یاوه گویی های اخیر فرقه ی رو به اضمحلال رجوی در مورد اعضای جداشده که در اطلاعیه اخیر کمیسیون به اصطلاح امنیت و ضد تروریسم خود به نمایش گذاشت را مورد بحث و بررسی قرار داده و اقدامات زبوانه فرقه رجوی را که نشان دهنده عمق حقد و کین هیستریک این فرقه نسبت به اعضای جداشده که افشاگری های آنها باعث شده تا چهار ستون تشکیلات فرقه رجوی به لرزه بیفتد دانسته و ضمن محکوم کردن این حرکات مضحک رجوی ها ، تأکید کردند که توطئه ها و لجن پراکنی های سران فرقه رجوی تحت هر عنوان علیه اعضای رها یافته از بندهای اسارت فقط عزم و اراده آنها را

در افشای هرچه بیشتر سران فرقه ، صیقل خواهد داد. زیرا که همه اعضای جداشده براساس تعهد اخلاقی و انسانی خود مصمم هستند تا با افشای هر چه بیشتر ماهیت ضدانسانی رجوی ها غبار تیرگی را از چشمان دوستان سابق خود که متاسفانه هنوز دربند اسارت هستند زدوده و آنها را از زمستان سرد و سیاه رجوی ها به سوی بهار سرسبز آزادی رهنمون سازند. درپایان این گردهمایی اعضای جداشده در ضیافت ناهار انجمن نجات خوزستان شرکت کردند و بار دیگر هم قسم شدند تا زدودن کامل نحوست و سایه شوم رجوی ها از سر همه اسیران دربند از پای نشینند، و در این خصوص بیانیه ای در محکومیت توطئه های رجویها صادر کردند.

### بیانیه

یاوه گویی بر علیه جداشدگان ، عجز و ناتوانی فرقه رجوی

هموطنان عزیز ، انسانهای آزاده و شریف در سرتاسر جهان ، اسیران دربند اسارت رجوی ها ، نوروز ۹۳ سال جدید ایرانیان از راه می رسد. طبیعت بار دیگر در تحول و تولدی دیگرآغوش عطر آگین خود را به روی ما می گشاید و با خود سبزی و نوآوری و شادی و شادکامی را به همراه می آورد. سال ۹۳ درشرایطی فرا می رسد که هزاران نفر از هموطنان و دوستان عزیزان ما دربند اسارت یکی از مهیب ترین فرقه های دنیای معاصر یعنی فرقه تروریستی رجوی همچنان سرما وانجماد را تجربه می کنند.

دراواخر سال ۹۲ فرقه رجوی که بر اثر افشاگری های اعضای جداشده در سراشیب اضمحلال و فروپاشی محتوم قرار گرفته ، در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضد تروریست شورای دست ساز خود در مورد هتل "مهاجر" که بیشرمانه در تاریخ ۵ اسفند صادر نمود ، بار دیگر تلاش کرد



هیستریک است. توطئه قتل مسعود دلیلی یکی از فرماندهان اطلاعاتی فرقه که بطور ناشیانه سعی نمود آن را به جادشدگان ربط دهد یکی دیگر از سلسله توطئه های این فرقه جنایتکار بر علیه جادشدگان است.

سرکردگان این فرقه گویی فراموش کرده اند که عصر ما عصر کبیرآگاهی توده هاست . و در عصر پیچیده ترین وسایل ارتباط جمعی دیگر قادر نیست که وجدانهای بیدار جهانیان و شعور انسانی را به بازی بگیرد. فرقه تروریستی رجوی که همانند دیگر فرقه های معاصر ادامه حیات خود را بر فریب و نیرنگ بنا گذاشته است از اضمحلال و فروپاشی محتوم گریزی نخواهد داشت. در نقطه مقابل آنها عناصر جادشده تا آزادی کلیه اسیران دربند دست از تلاش و مبارزه مقدس خود نخواهند کشید و در این مسیر از حمایت تمامی آزادیخواهان برخوردار خواهند بود.

در پایان این گردهمایی اعلام می داریم که :

ما جدا شده های از فرقه منحوس رجوی یاوه سراییهای سران فرقه رجوی را به شدت محکوم می کنیم. فرقه ای که در مناسبات و تشکیلات مخوفش رنگ و بویی از انسانیت وجود نداشته و ندارد. ضمناً به تمامی افراد فریب خورده ای که تاکنون نتوانسته اند ذهن و روان خود را از شر تشکیلات جهنمی رجوی خلاص نمایند اعلام می کنیم که هر چه زودتر نقطه پایانی بر اسارت ذهنی و عینی خود بگذارند و با جداسدن از فرقه ظاله رجوی و پا نهادن به دنیای آزاد روح و روان بیمار خود را بهبود بخشند.

با آرزوی موفقیت برای تمامی جادشدگان از فرقه رجوی.

**هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز**

که با اتخاذ تاکتیک فرار به جلو به تکرار یاوه گویی های گذشته خود بر علیه اعضای جادشده بپردازد. به راستی علت این همه هراس و وحشت در چیست؟ و به چه دلیل در حالی که سرکردگان سیه روی این فرقه هویت و ماهیت را توأمأ با غرق شدن در لجن زار سرسپردگی و جاسوسی و خیانت برای امپریالیزم سابق و صهیونیست ها باخته اند، اینگونه از اعضای جادشده وحشت دارند!

به راستی اگر آن ها عده ای مزدور وابسته و بریده هستند این همه کابوس و تقلای مذبوحانه از چه موضعی صورت می گیرد؟ واقعیت این است که اعضای جادشده که سالبان شدیدترین شکنجه های روحی و روانی این فرقه را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند و بعد از آزادی از بند اسارت به مبرم ترین وظیفه انسانی خود قیام نمودند. آنها هیچ گناهی نداشته و ندارند جز اینکه به مثابه اصلی ترین قربانیان این فرقه تحت هیچ شرایطی دیگر فریب تزویر و دروغ را نمی خورند. آنها از لحظه آزادی از اسارتگاه رجوی با خود سوگند خورده اند که با تمامی تلاش ، سیاهی های این فرقه بدنام را در چشمان جهانیان پدیدار سازند و به یمن همین افشاگریها این فرقه به یکی از بدنام ترین فرقه های جهان معاصر تبدیل گشته است . فرقه تروریستی رجوی در وحشت از تاثیرات این افشاگریها و برای ایجاد فضای ارباب و وحشت به تهدید علنی و طراحی ترور فیزیکی برخی از آنها پرداخته است.

فرقه رجوی از آنجاییکه به عینه می بیند که قانون این افشاگریها هتل مهاجر بغداد است برای خنثی کردن تاثیرات این افشاگریها و همچنین ایجاد ترس و وحشت در میان اعضای دربند اسارت لیبرتی و به اسارت گرفتن هر چه بیشتر آنها اقدام به انتشار این تبلیغات بی شرمانه می نماید. تبلیغات سراپا دروغ بر علیه این جادشده ها اوج این جنون



## مواظب مریم رجوی کلاهدار باشید ( نامه سرگشاده به خانم دژین دوفورژ )

انجمن ایران ستارگان ، دوشنبه  
۱۱ فروردین ۱۳۹۳

با سلام خانم رژین دوفورژ عزیز

من نسرین ابراهیمی هستم یکی از اعضاء جدا شده از سازمان مجاهدین (فرقه رجوی) که یک دهه کامل عضو این فرقه در پادگان اشرف بودم و با گوشت و پوست و استخوانم ظلم و ستم این فرقه را حس و لمس کرده و چشیدم و به همین دلیل از این فرقه شناخت کاملی دارم. من از طریق وبلاگ شما و هم از طریق اخباری که فرقه رجوی راجع به شما در سایتهایشان منتشر می کردند آشنا شدم وقتی که صحبت های شما را در سایتهای فرقه دیدم و به طور خاص وقتی حمایت شما را و تعریف های شما را از مریم رجوی ، کسی که زندگی زنان و مردان زیادی را نابود کرد شنیدم به واقع متاثر و متاسف شدم از اینکه این فرقه چگونه می تواند با اطلاعات دروغ و با فریب و دو رویی یکسری افراد را فریب دهد و از احساسات انسانی آنها سوء استفاده کند.

### خانم دوفورژ عزیز

فرقه رجوی بر پایه دروغ و فریب بنا شده و از روز اول نه تنها به شما بلکه به اعضای خودش هم دروغ گفته و همواره در تلاش هستند که این تشکیلات فرقه ای را با فریب و دورویی و دروغ گفتن به مردم سر پا نگه دارند. آیا مجاهدین (فرقه رجوی) با حقایق تلخ این فرقه شما را هم آشنا کردند؟ آیا فقط از قهرمانی ۱۰۰۰ زن قهرمان به شما گفتند؟ آیا به شما نگفتند که این زنان قله های مبارزه ای را درنور دیده و از خانه و زندگی و ... خود برای مبارزه گذشتند و ....؟ البته که این تعریفها و هزاران تعریف دیگر هر انسانی و هر

زنی را به خصوص تحت تاثیر قرار می دهد! همانطور که این تعریف و تمجیدها و این تبلیغات به طور خاص در مورد زن ، همان ۱۰۰۰ زن قهرمان را گول زد و بعد هم وارد چاه باطلی به نام سازمان مجاهدین خلق کرد و حالا همگی هر چی دست و پا می زنند نمی توانند به این سادگیها از آن نجات پیدا کنند.

سازمان مجاهدین خلق ( فرقه رجوی ) که مریم رجوی آن را رهبری می کند خود پایمال کننده حقوق زنان بوده و هست ، مگر نباید این سازمان اگر خود را یک سازمان دمکراتیک می داند و اگر خود را حامی حقوق زنان می داند اول این را در درون خودش نشان بدهد و ثابت بکند که توان این را دارد و بعد شعار بدهد که من یک سازمان دمکراتیک هستم ؟ و یا من یک سازمان حامی حقوق زنان هستم . سازمان مجاهدین خلق اینکه به شما گفته اند این زنان خود آزادانه انتخاب کرده اند که از همه چیز خود بگذرند و خلص مبارزه نکنند فقط یک دروغ بزرگ است ، مریم و مسعود رجوی که خود ازدواج کردند و خانه و زندگی خود با همه امکانات داشتند اعضاء خود را تحت فشار گذاشتند تا همگی شوهران و زنان خود را طلاق بدهند ، مادران هم از فرزندان خود که خیلی از آنها شیرخواره بودند بگذرند و آنها را به خارج از عراق به بهانه جنگ خلیج بفرستند ، در پله بعدی هم احساسات مادرانه را ممنوع کردند و کسی حق نداشت نگران وضعیت بچه هایش بشود و یا به آن فکر بکند ، ارتباط داشتن با خانواده کاملاً ممنوع بود ، و البته ارتباط با دنیای خارج از پادگان اشرف ممنوع بود و اگر کسی به خانواده و یا فرزندش و یا شوهر و یا زنش فقط فکر می کرد در دادگاههای بزرگی که فرقه به اسم جلسه تشکیل می داد شخص را تا سر حد مرگ می ترساندند که دیگر هرگز جرات نکند به خانواده اش فکر کند.



می ترسیدند که مبادا کسی حقیقتهای فاجعه بار را به گوشش برساند و آنوقت ما را توجیح می کردند که باید مواظب حرف زندمان باشیم و نفرات از قبل مشخص بودند که باید چه موقع با مهمان صحبت کنند و باید چه بگویند که مبادا چیزی لو برود و آنوقت آن مهمان فکر می کرد که چقدر همه چیز خوب است و چه سازمان خوبی ولی از ته دل تک تک ماهایی که اطرافش نشسته بودیم خبر نداشت که آرزو می کردیم قطره ای آزادی وجود داشت تا با آن شخص صحبت می کردیم و حقایق این فرقه مافیایی را می گفتیم.

خانم دوفورژ عزیز شما به آزادی پوشش زنان اعتقاد دارید، آیا می دانید که همین زنی که شما او را ایده آل آمال ایرانی معرفی می کنید به ما می گفت که حجاب اجباری است! آیا می دانید که اگر ذره ای از موهای ما بیرون بود با چه برخوردهایی مواجهه می شدیم و تا چه حد ما را تحقیر می کردند؟ آیا می دانید که زنان حق آرایش و داشتن لباسهای رنگی نداشتند و فقط خود مریم رجوی از این حق برخوردار بود؟ همان زنانی که کرامت و وقار آنها شما را تحت تاثیر قرار داده اند ثانیه به ثانیه آرزو می کنند که در جامعه ای آزاد بتوانند زندگی معمولی خودشان را داشته باشند، آرزو دارند که احساس مادر شدن را بچشند، آرزو دارند که مثل خود مریم رجوی لباسهایی که خودشان دوست دارند بپوشند، آرزو دارند که با پدر و مادرهایشان دیدار کنند و .... کاش می شد که خانم رجوی حقیقتاً از مبارزه این زنان هم صحبت می کرد و کلاً مبارزه را تعریف می کرد و بعد هم می گفت که این زنان چگونه مبارزه کرده اند! اولاً مریم رجوی به ما می گفت که همگی برای مسعود رجوی هستیم! فکر و روح و جسم و جانمان باید برای رجوی باشد! او به ما می گفت که بدون مسعود ما زنان هیچ معنی نداریم و فقط با او معنی پیدا می کنیم! می گفت که هر زمان که مسعود بخواهد باید جانمان را فدایش بکنیم و ما صاحب

مریم رجوی زنان را مجبور و وادار می کرد که نباید چهره های قشنگ داشته باشند و برای اینکه آنها از زندگی در خارج از پادگان اشرف در آینده ناامید کند و آنها را وادار به ماندن در اشرف بکند، می گفت که من چهره های آفتاب سوخته زنان را دوست دارم و دوست ندارم زنی صورت قشنگی داشته باشد و می بایست شما از شدت کار دستهای ضخیم و صورتهای آفتاب سوخته داشته باشید.

راستی شما خانم مریم رجوی را دیده اید، صورت خودش چگونه بود؟ آیا او هم آفتاب سوخته بود با دستهایی ضخیم و یا اینکه ایشان هرگز رنگ آفتاب را به خودش ندیده و با دستهایش تا حالا حتی یک لیوان را هم نشسته! پس چگونه است که برای ما چهره هایی سوخته و چروکیده را می خواست ولی برای خودش نه؟ با دستور همین خانم هم تعداد زیادی از زنان عقیم شدند تا برای همیشه آروزی مادر شدن را از آنها بگیرند!!! یا آیا خانم رجوی برابری زن و مرد را فقط در کاری یدی می داند که ما را شبانه روز وادار به کارهای یدی می کرد که خیلی از زنان به خاطر این بیگاریها فلج شدند.

آیا شما می دانید که خروج از فرقه رجوی ممنوع بود و به طور خاص اگر زنی قصد داشت فرقه را ترک کند او را سر به نیست می کردند؟ آیا از آلان محمدی که تنها ۱۶ سال داشت خانم رجوی از این دختر قهرمان هم به شما گفت؟ آلان محمدی به خاطر اینکه نمی خواست با فرقه رجوی در اشرف بماند سر به نیست شد. آیا شما می دانید که دختران زیادی به خاطر فشارهای بیش از اندازه دست به خودکشی زدند، همانهایی که شما از وقار و کرامتشان صحبت می کنید و می گوئید که شما را تحت تاثیر قرار داده اند؟ به خوبی بیاد دارم که وقتی که اشرف بودیم و کسی مثل یک وکیل یا هر کسی از خارج از عراق وارد کمپ می شد، فضا کاملاً فضای امنیتی می شد و مهمان را فقط داخل قرارگاه زنان می آوردند چرا که از مردان



کتابهای رمانتان بین افراد و اعضای فرقه رجوی بکنید! آنوقت ببینید یک نفر از اعضا با فرقه رجوی می ماند یا نه؟ این افراد به زور دیکتاتوری، خفقان و دور نگه داشتن آنها از جامعه و انسانهای معمولی توانستند آنها را بدین گونه در چنگ خود بگیرند در غیر این صورت یک نفر برای رجوی نخواهد ماند و برای همین هم کتابهای شما حتی آوردن اسم آن برای اعضاء ممنوع و مرز سرخ است که مبادا آنها را یاد زندگی، خانه و خانواده و شوهر و عشق و... بیندازد و آنوقت فرقه را ترک کنند.

از شما می خواهم که در مورد زنانی که در لیبرتی هستند تحقیق کنید و به آنها کمک کنید! خیلی از آنها باز نشسته هستند و مریض هستند و باید مریم رجوی را وادار کنید که دست از دورویی و فریب بردارد و اجازه بدهد این افراد به خارج از عراق بیایند و مورد معالجه قرار بگیرند، مریم رجوی از وحشت اینکه این افراد به کشور ثالث بیایند و دست به افشاگری بزنند به هر قیمتی تلاش می کند افراد را وادار به ماندن در عراق بکند! او ترجیح می دهد که همه آنان توسط گروههای تروریستی کشته شوند و بعد هم آنها را خوراک تبلیغاتی کند و از آنها شهید بسازد! هر کدام از آنها دنیایی درد و رنج کشیده اند، آنها می بایست به دنیایی آزاد بیایند و آزادانه مسیر خود را خود انتخاب کنند، نباید به مریم رجوی بیشتر از این اجازه داد که از این زنان بیگناه و زندگی باخته سوء استفاده بکند و فقط برای تبلیغ از آنها استفاده کند! نباید به مریم رجوی اجازه داد از کلمات مقدسی مثل حقوق زنان، برابری زن و مرد، آزادی و برابری و.... سوء استفاده بکند.

با احترام

نسرین ابراهیمی

سوئیس

داریم و خودمان صاحب جان و خون و نفس خودمان نیستیم! به ما می گفت که باید از پیش مسعود فقط با کفن بیرون برویم یعنی تا آخر عمر باید با سازمان بمانیم! و اما مبارزه زنان به راستی چی بود؟ تا قبل از سرنگونی صدام رجوی زنان را سرگرم می کرد با تانکهای بسیار قدیمی و در هم شکسته که عراق به مسعود رجوی هدیه داده بود و قرار بود که آقای رجوی با آن چند دانه تانک کشوری به عظمت ایران را با چهار هزار نفر که اغلب آنها بازنشسته بودند فتح کند! و بعد هم ما را باد می کردند که هیچ زنی در دنیا نمی تواند روی تانک باشد که شماها هستید و این یعنی پیشرفت زن! و ما هم باور می کردیم که پیشرفت کردیم و به خود مغرور می شدیم و گول می خوردیم و بعد از مدتی می فهمیدیم که اینها همه سراب بود و بس! و بعد هم می بایست کارهای یدی مثل جابه جا کردن بارهای سنگین انجام می دادیم و یا علف کنی کل قرارگاه را می کردیم زیر آفتاب سوزان عراق! و یا در آشپزخانه کار می کردیم و بعد هم به حدی تناقض و مشکلات وجود داشت و به حدی زنان آرزو می کردند که راهی پیدا شود که از این فرقه نجات پیدا کنند که همگی به همه چیز فکر می کردند الا مسئله مبارزه و سرنگونی و جمهوری اسلامی! خانم دوفورژ عزیز این حقایق فرقه رجوی است، من فقط اشاره ای کوچک به آنچه که شاهدش بودم کردم ولی هر کدام از ما که در این فرقه بوده ایم دریایی حرف و قصه داریم که هر کلمه اش پر از درد است! من از شما می خواهم که در مورد فرقه رجوی تحقیق کنید و نگذارید با احساسات انسانی شما بازی کنند، از شما می خواهم که از مریم رجوی بخواهید اجازه بدهد تنها یکی از کتابهای رمان شما بین افراد و اعضای فرقه اش پخش شود؟ آیا اجازه می دهد؟ این همان مرز سرخ رجوی هاست و شما خواهید دید که حتی اسم کتابهای شما را آوردن در درون مناسباتشان ممنوع است، همین طور از شما می خواهم خودتان اقدام به پخش کردن یکی از

هزار اشرف» است که معنای واضحش مشاهده اعدام نیروها با دست بسته است!

از رهبری مجاهدین در سال ۱۳۹۲ رکوردهای جدیدی به ثبت رسید که هر چند پیش از این سال نیز بارها و بارها گفته شده بود اما از آنجا که در این سال به امضای دوست و دشمن مجاهدین رسید و به اقرار بدخواه و خیرخواه آنان در آمد، در نوع خود بی نظیر است:

در قضیه اشرف و تخلیه ذیلاننه آن که رهبری مجاهدین می خواست با نسق گرفتن از اعضای بدبخت و دربندش از طریق اعتصاب غذا، حقارت رجوی را بپوشاند، معلوم شد که این دار و دسته جز زبان زور نمی فهمند و مقابل زبان حق و قانون طلبکارتر شده و بیشتر هارت و پورت می کنند و تا زمانی با زبان زور با آنها صحبت نشود، حاضر به پذیرش حق نیستند.

در خلال تمام قضایای سال ۹۲ بارها و بارها و به کرات جبن و ترس و بزدلی رجوی روشن شد، تا آنجا که از یک سو صف طولی از اجیرشدگان توسط رهبری مجاهدین به قصد توجیه این واقعیت به خط شدند و انواع و اقسام ترهات مانند «جایگاه رهبری» و یا «مسائل امنیتی» و حتی «ارزشمند بودن جان وی از تمام مجاهدین» و... را به هم بافتند و از سوی دیگر با برخورد فوق العاده شدید امنیتی درون تشکیلات، تلاش کردند تا مانع از تمرکز نیروها بر روی این مهم شوند، اما بازهم ناکام ماندند.

در پاریس که به نظر می رسید لااقل برای ریش سفیدان شورایی اوضاع بهتر باشد، معلوم شد که از همه جا به هم ریخته تر است و برج و باروی مجاهدین و گارد حفاظتی آنان نتوانسته از رخنه حقیقت به عمیق ترین لایه ها - به درون مغز توجیه گران رفتارهای نادرست و نامعقول رجوی - جلوگیری کنند.

شکاف در این عمق نشان داد که در رأس تشکیلات خاله زنکی رجوی در پاریس، مریم دست



## مجاهدین و سال ۹۲ در یک نگاه؛ سالی که بی آبرویی رجوی به امضای دوست و دشمن رسید

### ایران دیدبان

یادآوری محقق نشدن وعده سرنگونی در سال ۱۳۹۲، غلط از آب درآمدن تحلیل ها در باره شرایط بین المللی، داخلی ایران و عراق، موفق نشدن در جا زدن اعتراضات صنفی و اجتماعی به جای قیام و یا افسانه پردازی ابلهانه در باره تشکیل ارتش آزادی در داخل کشور و ... رهبری گروه تروریستی مجاهدین، واحد ارزیابی مناسبی برای بی آبرویی آنان و به ویژه شخص رجوی حداقل در سالی که گذشت نیست؛ مضحک بودن اینگونه از دعاوی سالهاست که شهره عام و خاص شده و حتی رهبری این گروه نیز با لودگی تمام آمادگی خود را برای دست انداختن شدن از سوی رسانه ها و افکار عمومی در هر مناسبتی با بازتکرار آن نشان می دهد.

به همین دلیل است که مریم رجوی تنها دست آورد مادی و ملموس برای مجاهدین در سال ۱۳۹۲ را با این کلمات بیان می دارد: «گوهر دستاوردهای ما در سال گذشته و شاخص و شاقول پیشروی ما در سال جدید همین است: نبرد، پایداری تعهد و عزم صدبرابر برای سرنگونی» که همان آمادگی افزون برای توسری خوردن و دادن تلفات هر چه بیشتر با کد «سال ۹۳، سال



## سازمان تروریستی خلق در تلاش برای انتقال اعضای خود به آمریکا دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۲

روزنامه "هافینگتون پست" طی مقاله ای به نوشته "کریستینا ویلکی" نویسنده آمریکایی خود عنوان کرد که اعضای سازمان خلق در کنگره آمریکا، تجمع شبه مستمری دارند و حتی در جلسه گوش فرادادن به کمیته امور خارجی نیز شرکت جستند. این روزنامه هدف از تجمع عناصر خلق را فشار بر دولت آمریکا برای موافقت با پذیرش و اسکان عناصر سازمان خلق در ایالات متحده عنوان کرد.

این روزنامه آمریکایی همچنین سوال "دانا رورباکر" عضو کنگره آمریکا از "جان کری" وزیر خارجه این کشور را نقل می کند؛ سوالی که پیرامون پیشنهاد انتقال عناصر سازمان خلق به آمریکا و کمک های واشنگتن برای قبول این پیشنهاد و انتقال عناصر سازمان است. این روزنامه عنوان می کند "جان کری" از پاسخ به این سوال طفره رفته و مجدداً تأکید نمود که تنها راه حل مشکل سازمان خلق، انتقال آنان به خارج از عراق است. وی کشور خاصی را برای پذیرش و اسکان آنان مشخص نکرد.

"کریستینا ویلکی" مسأله اسکان و پذیرش عناصر خلق توسط کشورهای اروپایی را امری دشوار توصیف کرد؛ چرا که رهبران خلق، مشکلاتی را برای عناصر خود به وجود آورده اند. این نویسنده تأکید کرد سازمان خلق نمی تواند غرب را برای اسکان اعضای خود متقاعد نماید.

و پا چلفتی عروسی بیش نیست که فقط بلد است در مقابل دوربینها با لباسهای فاخر ادا در بیاورد و صدایش را بالا و پایین کند.

استراتژی همچنان آویزان ماندن به بند تنبان اعضای کنگره آمریکا باقی ماند به امید فرجی و یا از سرنامیدی از پیدا شدن گریزگاهی، آمریکا تنها و آخرین شانس که به ذهن علیل رجوی برای ادامه بقا می رسد.

اما در مقابل آمریکا آنچنان توی سر آنها می زند که گویی حتی نام آنها را نشنیده است و وزیر خارجه اش در مقابل سوال مستقیمی که با هدف زیربار رفتن آمریکا برای پذیرفتن مجاهدین مطرح شده است با خونسردی می گوید بهتر است آنها از عراق خارج شوند.

به کجا؟ آلبانی یا رومانی، در دورترین نقطه ممکن از خاکش!

شک نباید کرد که رجوی در بازی هزار باره «دمکرات - جمهوریخواه» غرق است و از هم اکنون نقشه برداشتن کلاه از سردولت بعد از اوباما را می کشد.

از او که بنا بود «تضاد را با ایران به اوج برساند» قطع امید کرده، فعلاً با کسانی که روزگاری بر سر کار بودند نرد عشق می بازد تا جایی در میان کسانی که احتمال می رود در آینده دستی در قدرت در آمریکا داشته باشند، پیدا کند و از تجربه سی سال عبرت نمی گیرد که هیچ دولتمردی حاضر نیست، آبرویش را با مراوده با چنین باند بدنام و بی آبرویی تاخت بزند!

۱۳۹۳/۱/۹



## سرطان تشکیلات مجاهدین خلق (فرقه رجوی)!

محمد علوی، آریا ایران، ۱۵ فروردین ۱۳۹۳

مسعود و مریم رجوی در نشست تعدادی از اعضای ارشد و دفتر سیاسی سابق: سرطان تشکیلات مجاهدین و شورا کیست؟!

محمد سید المحدثین از اعضای ارشد سازمان تروریستی مجاهدین خلق و رئیس کمیسیون سیاست خارجه شورا، از اوایل سال ۹۲ تحت برخورد تشکیلاتی قرار داشته و همچنان مورد غضب رجوی است. او که در مدار رده بندی رجوی، نفر شماره ۳ سازمان مجاهدین و شورا محسوب می گردد، به دلیل برخی مخالفت ها، انتشار “گزارش ۹۲” ایرج مصداقی و جدایی دو تن از اعضای فعال شورا (آقایان کریم قصیم و محمد رضا روحانی) در ۱۵ خرداد ۱۳۹۲، مسئول جرائم تشکیلاتی شناخته شده و مورد خشم رجوی قرار گرفت. بر اساس اخبار موثقی که در این باره رسیده، جرائم تشکیلاتی محمد سید المحدثین طی نشست توسط مسعود رجوی ابلاغ شده و عبارتند از؛

۱ - عدم موفقیت و عدم توانایی در سیاست خارجی باند رجوی

۲ - عدم موفقیت در جاسوسی از سیستم هسته ای ایران

۳ - بی حاصل اعلام نمودن انقلاب ایدئولوژیک تحت عنوان “زخم غیر قابل ترمیم” و سرطان تشکیلات

۴ - مخالفت با برخی اهداف رجوی در عراق

۵ - مخالفت با استخدام برخی لابی های آمریکایی و سوری

۶ - مخالفت با دخالت و اداره امور سیاست خارجی توسط مریم رجوی

۷ - مخالفت با برخی اجتماعات بی حاصل باند رجوی در کشورهای اروپایی

تعارض آشکار و مخالفت های تشکیلاتی محدثین در بدنه اصلی فرقه رجوی، با استراتژی و راهبردهای تعیین شده از بالا، از او و سیستم تحت مسئولیت اش انبوهی عضو پاسیو و غیر کارآمد تولید نمود. طوری که شعبه کمیسیون خارجه شورا از سال ۱۳۹۱ تا کنون هیچ محصول بدرد بخوری برای رجوی نداشت. با اعلام جدایی تعدادی از اعضای شورا و عناصر وابسته به مجاهدین در سال ۹۲، مسعود و مریم رجوی طی نشستی با جمعی از اعضای ارشد که مهدی ابریشمچی و محمد علی توحیدی نیز حضور داشتند، شکست های خود را به گردن او انداخته و محدثین را از همه مناصب و رده های سازمانی خلع نمودند. از آن پس او اجازه حضور در هیچ جمعی را نمی یافت. اما پس از درز این اخبار، مریم رجوی مجبور شد در برخی از جلسات، “محدثین” را در کنار خود بنشانند تا کسی از موضوع اختلافات درون تشکیلاتی در بالاترین سطح مجاهدین مطلع نگردد.

شرکت او در جلسات فرمایشی نیز تحت کنترل ابریشمچی، رضایی و توحیدی قرار دارد. مسعود و مریم رجوی از اینکه اخبار درون تشکیلاتی به بیرون درز کند و سایر اعضای مجاهدین مطلع گردند، به شدت به هراس افتاده و به سایر اعضای ارشد دستور داده اند با هر گونه نقل اخبار در این زمینه برخورد جدی شود.



## دست آوردهای بهاری در سال ۱۳۹۳ برای دوستان عزیزمان در آلبانی

محمد کرمی، وبلاگ عیاران، ۱۵ فروردین  
۱۳۹۳

- در هم شکسته شدن توطئه تشکل فرقه تحت پوش جشن نوروزی برای جذب نفرات جدا شده  
- دومین پیروزی یا دستاورد عید نوروز برای این دوستان ریل مصاحبه پناهندگی کمیساریا بود.  
- سومین دستاورد و عیدی برای افراد آلبانی باز شدن میسر ملاقات خانواده ها با این عزیزان است.

اولین دست آورد و پیروزی که افراد جدا شده در مقابل مریم رجوی و سازمان مجاهدین در آلبانی داشتند در رابطه با برنامه عید نوروز و توطئه این تشکل فرقه بود که بدین شرح است.

مریم رجوی (قجر عضدانلو) در یک پیام داخلی که برای نفرات سازمان مجاهدین در آلبانی فرستاده بود، بیان کرده بود که امسال سین یعنی سرنگونی. در نتیجه هر طور دلتان خواست جشن بگیرید، تا افرادی که از ما جدا شده اند دوباره به خودمان جذب بشوند. سران مفلوک این فرقه در آلبانی که عبارت هستند از: فرزانه میدان شاهی، اسماعیل مرتضائی (جواد خراسان) افشین ابراهیمی ترتیب دو مهمانی را می دهند. اولین جشن در زمان سال تحویل بود که برای نفرات تشکیلات بود که کماکان در درون سازمان هستند. دو روز بعد یعنی روز شنبه دوم فروردین مهمانی دوم را تشکیل دادند که برای افراد جدا شده بود که در آلبانی هستند، کلی انرژی گذاشته بودند و نفرات را تشویق می کردند که حتما شرکت کنند. اما از بخت سیاه سازمان از کل جدا شده تعداد ۸ نفر در این جشن آنها شرکت می کنند. ۳ نفر از آنها هم از افراد خود سازمان بودند. نکته خیلی مهم این بود که سه نفر به دلیل سن بالائی که داشتند به برنامه

جشن راه نداده بودند، مطرح کرده بودند که تضادشان را بروند کمیساریا حل کند. این ۳ نفر عبارت بودند از میزاقا پاک نیت، ابراهیم نیک طالعان، اصغر حسینی. دو نفر اول بین ۸۰ یا ۹۰ سال سن دارند و نفر سوم شدیداً دیسک کمر دارد. نامردی رجوی و رجوی چی ها را ببینید، تا زمانی که توان کار کردن داشتند تشکیلات از این افراد کار کشید. الان که دیگر پا به سن گذاشته اند به درد نمی خورند و بلا استفاده شده اند این طور با آن عزیزان تنظیم می کنند. این مراسم جشن در مقر اصلی بوده که معروف به مقر ۴۹ می باشد. (دفتر ستاد مرکزی سازمان در کمپ ویران شده اشرف).

غذای که به نفرات مهمان و تعدادی از اعضای سازمان که در این برنامه شرکت داشتند داده بودند غذای بی مزه ماهی پلو بوده که تعدادی از نفرات خودشان هم به عنوان اعتراض نمی خورند. در برنامه های رقص محلی هم کسی شرکت نمی کند، حتی نفرات خودشان و به عنوان اعتراض محل را ترک می کنند. تشکل فرقه در آلبانی برنامه ریزی کرده بود بتوانند نیروها را جذب کنند اما برعکس نتیجه داد و نفرات خودشان هم از آنها فاصله گرفتند در مجموع افرادی که در تشکل فرقه در آلبانی هستند بدلیل اینکه در بند هستند همه در یک حالت افسردگی بسر می برند.

از این سو شاهد هستند که افراد جدا شده آزاد هستند، آزادانه ورزش می کنند تفریح می روند سعی می کنند هر طور شده به خودشان خوش بگذرد اما نفرات تشکل فرقه برنامه ای مانند لیبرتی دارند که ساعت خواب و بیدار باش و انواع نشست ها را دارند. دقیقاً برنامه شان کپی لیبرتی است. در مقابل این شو مسخره با هزینه هنگفتی در مجلس سنای امریکا مواجب بگیران ثابت خود را اجیر کرده بود با سفره رنگی آنچنانی می خواست دل آنها را به دست بیاورد که همانند این سفره



چهارمین تو دهنی را هم قرار است از این برنامه کنسرت بخورند.

دومین پیروزی یا دستاورد عید نوروز برای این دوستان ریل مصاحبه پناهندگی کمیساریا بود.

دو یا سه ماه گذشته بود که تشکل فرقه رجوی در آلبانی از طریق یکی از عوامل خود در بین افراد جدا شده در کشور آلبانی این شایعه را پراکند: کمیساریا با افرادی که در آلبانی هستند هیچ گونه مصاحبه ریل پناهندگی، مدرک پناهندگی، نخواهد داد و بعد از چهار ماه هزینه کمک مالی قطع خواهد شد. مسئله اسکان آنها از بین خواهد رفت. افراد باید خودشان کار کنند و محل برای اسکان خود اقدام کنند. که پس از این شایعه پراکنی بود که اسماعیل مرتضائی (جواد خراسان) که فرمانده اصلی آلبانی است. نشست گذاشته بود گفته بود: گور پدر کمیساریا سازمان خودش خانه کرایه می کند و هزینه مسکن و غذا را می دهد. در طی این مدت از ارگان های مختلف پی گیری شده بود که بیان می کردند که این خبر درست نمی باشد.

\* روز سه شنبه اول آوریل کمیساریا عالی پناهندگی در آلبانی یک اطلاعیه به تمامی افراد جدا شده داده بود با مضمون اینکه با تمامی افراد به صورت تک به تک مصاحبه خواهیم کرد و ریل پناهندگی شما طی خواهد شد. روز چهارشنبه دوم آوریل استارت مصاحبه کمیساریا با این دوستان عزیز در تیرانا زده شد. نامه کمیساریای عالی ضمیمه می باشد

از شروع سال نو این دومین عیدی دوستان است و شکستی برای تشکل فرقه رجوی می باشد و دستاورد بهاری برای دوستان عزیز جدا شده در آلبانی می باشد که از صمیم قلب به این دوستان عزیز تبریک می گویم.

رنگین را برای تعدادی موجب بگیر ثابت در کلن المان اجرا کردند و مشخص شد که خون موجب بگیران آمریکائی و آلمانی از نفرات در آلبانی خیلی خیلی رنگین تر است.

نکته خیلی مهم و جالب برخورد و برگزاری جشن نوروزی از طرف کمیساریا برای افراد جدا شده بوده. وقتی که کمیساریا می بیند که سازمان برای افراد خودش جشن گرفته، یک مهمانی یا جشن نوروز مفصل برای افراد جدا شده و کارمندان کمیساریا می گیرند که همه چیز فول بود.

جواد خراسان هم چند نفر جاسوس و خبر چین با دوربین بین آنها می فرستد که عکس و فیلم و گزارش تهیه کنند. این جشن که کمیساریا برپا کرده این موضوع را افراد درون تشکل فرقه از نفرات جدا شده می شنوند که این باعث افسوس آنها بوده. افسوس می خوردند که چرا از فرقه جدا نشده اند.

این گزارش از طرفی درد آور است. از طرفی خوشحال کننده. از این بابت درد آور است که شاهد هستیم و می شنویم با دوستان عزیزمان که پا به سن گذاشته اند. جنایت کاران چطور برخورد می کنند از همه جا آنها را تردد می کنند.

خوشحال کننده است که توطئه ای که کرده بودند علیه خودشان عمل کرده و کسی به دام آنها نیفتاد، بلکه باعث شد تعدادی دیگر فاصله بگیرند

مریم قجر امد ابرو را درست کند و زد چشمش را هم کور کرد.

مریم رجوی کاسه و کوزه اش در عید به هم خورد حالا رقاصه را فرستاده آلبانی به همراه شوهرش که در آلبانی برنامه کنسرت اجرا کند و بخاطر اینکه افراد از مراسم عیدشان خوششان نیامده مرجان را آوردند که دلگرمی بدهند و از کمیساریا عقب نمانند



بدهند و درخواست هماهنگی کنند با کمیساریای آلبانی یا با سفارت کشور آلبانی این هماهنگی را انجام بدهند.

اگر در کشور اروپائی هستند که نیاز به ویزا هم ندارد، چون کشور آلبانی هم به لحاظ روادید جز اروپا هست.

این خانواده ها می توانند بلیط بگیرند به تیرانا پایتخت آلبانی بروند و در آنجا به کمیساریای عالی پناهندگی مراجعه کنند و درخواست کنند که می خواهند با فرزند یا اقوام خود که از سازمان مجاهدین بوده و در کمپ است می خواهند ملاقات داشته باشند آدرس را می توانند از اقوام خود در آلبانی بگیرند که مستقیم محل اسکان آنها بروند.

خانواده های که در ایران هستند در مرحله اول باید خانواده مدارک قانونی تعداد نفراتی که می خواهند به آلبانی بروند با اسم فرزند یا اقوام خود را کامل تحویل کمیساریا در ترکیه بدهند و کمیساریا خودش اقدام می کند از طریق دولت ترکیه به دولت آلبانی می دهد.

پس از آنکه ویزا صادر شد در ترکیه ویزا ها تحویل داده می شود و پس از آن باید بلیط تهیه کنند و به آلبانی بروند. از آن سو هم باید آن فرد از آلبانی مشخصات اقوام خود که برای ملاقات می خواهند بروند را کامل به کمیساریا در آلبانی بدهد.

نزدیک یک سال بلاتکلیفی که بر اثر سنگ اندازی های فرقه رجوی بود، سه ماه استرس و دلهره به کوری چشم فرقه رجوی با پایان رسید.

بهاران خجسته باد و تبریک به تمام دوستان و هموطنان که در طی این مدت تلاش می کردند که بتوانند به این دوستان به خاطر این معضل کمک کنند.

نامه کمیساریای عالی پناهندگی :

سومین دستاورد و عیدی برای افراد آلبانی باز شدن میسر ملاقات خانواده ها با این عزیزان است.

در رابطه با ملاقات خانواده ها با افرادی بود که به آلبانی انتقال پیدا کرده بودند. سازمان مجاهدین از همان اول یکی از شرایطش که داشت تحمیل می کرد این بود که دولت آلبانی اجازه ندهد که خانواده ها بروند آلبانی برای ملاقات عزیزانشان. فضا سازی های و جو سازی های که کرده بود و زدو بند های که توانسته بود در آلبانی با یک سری لابی های که خریده بود پیش ببرد.

اما خانواده ها از طریق کمیساریای عالی پناهندگی اقدام کردند و طلسم و جو هم شکسته شد و طوری که یک خانواده از ایران و یک خانواده از اروپا برای دیدن فرزندانشان اقدام کردند و موفق هم شدند نه تنها با فرزند خود بلکه با خیلی از جدا شده ها که در آنجا بودند ملاقات داشته باشند.

شیوه درخواست ملاقات برای خانواده های که در اروپا یا امریکا به نوعی خارج از ایران هستند به این شکل است :

با کمیساریای کشور خود هماهنگ کنند که می خواهند بروند در آلبانی اقوام و بستگان خود را بعد از سالیان ملاقات کنند اسم و مشخصات او را

غیر انسانی در چنته دارند برای بهره برداری در جهت کسب قدرت از آن شکار سوء استفاده نموده و بهره می برند.

کسانی به دام این افراد خودشیفته می افتند که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند.

ریشه واژه نارسیت و یا خودشیفته از افسانه ای در یونان قدیم بدست آمده و گویا فردی آنچنان عاشق خودش می گردد که عاشق و معشوق را در تصویر رویایی خویش یکی می بیند. روزی به حدی مدهوش عکس خودش در آب رودخانه می شود که برای در آغوش گرفتن تصویرش خود را به درون آب می افکند. غرق می شود و فدای خود پرستی و خود شیفتگی خودش می گردد.

دور نیست که مسعود و مریم رجوی به چنین سرنوشتی گرفتار آیند.

### علایمی از خودشیفتگی (نارسیسم)

چند مورد از علایم خود شیفتگی به ترتیب زیر هستند:

#### - حس خود بزرگ بینی و مبالغه در توانایی های فردی :

او خود را شیر همیشه بیدار ، رهبر ، راه گشا و حلال تمامی مشکلات می بیند و این در صورتی است که عملاً بمانند موش کور در سوراخ و مثل روباه ترسو در غارها زندگی می کند و دلی مشابه بز دارد و شبیه کرم خاکی از شیره جان دیگران تغذیه می کند.

#### - خیال بافی در پیشرفت های تخیلی و سعی در اشغال اذهان :



**دلایل مبسوطی دال بر خود شیفتگی (نارسیسم) و روان پریشی (سایکوتیک) مزمن در مسعود و مریم رجوی**

م- افتخاری ، ایران اینترلینک، ۱۵ فروردین ۱۳۹۳

#### در ابتدا خود شیفتگی یا نارسیسم چیست؟

طبق تحقیق و پژوهش های روان شناسانه عوض نمودن انسان خودشیفته به مانند آب رودخانه ای است که بخواهید جریانش را به عقب برگردانید ، لذا کاری مشکل و بعضاً غیر ممکن است. آنها سخت سر تر از آن هستند که استدلال شما بر مغزشان اثر گذار باشد. نه می شود از تعریف و تمجیدشان دل خوش بود و نه به ملامت و سرزنش شان اهمیت قائل شد. شما برای آنها فقط یک وسیله ارضای حوششان هستید. با یک مخالفت و اظهار نظر جزئی و در طول یک لحظه در نظر آنها از یک یار و دوست صمیمی به دشمن غداری تبدیل خواهید شد.

انسان های خود شیفته ، خودخواه ، بی وفا ، فاقد عاطفه انسانی و تشنه قدرت هستند. در ابتدا در جلد انسانی جذاب ، مهربان و دوست داشتنی ، برای به تور انداختن شکار خود ظاهر می شوند و سپس با نشان دادن ماهیت خویش هر آنچه از امیال



### – حسادت و تکبر:

به نزدیک ترین یاران خودش حسادت می ورزد و خیانت می کند، آنها را در مقابل جمع تحقیر می نماید، باد به غب غب می اندازد و خودش را قهرمان فرض می کند، لاف در غربت می زند و آن ها را خلع سلاح و رده می نماید و در نهایت بطور موزیانه و مخفی سرشان را زیر آب می کند.

و خلاصه اینکه این نقصان های زیرین نیز در افراد خود شیفته ای مثل مسعود و مریم رجوی به وفور ظاهر و بارز می گردند:

عدم عشق، عدم درک، عدم دلسوزی، عدم همدلی، عدم حمایت و پشتیبانی، عدم وجدان، عدم رضایت و خرسندی، ادعای زیاد، شستن مغز و وراچی در حد خوردن مخ دیگران، عدم احساس گناه، خود محور و خود بزرگ بین، مردد و همیشه مشکوک، نگرش منفی به زندگی، عدم توجه به ناتوانی دیگران، سرزنش و نکوهش نمودن دیگران، عیب جویی و غیبت دیگران. حرافی فراوان و نداشتن گوش شنوا، تحقیر نمودن، پرخاشگری، مسخره کردن، خیانت به افراد دور و نزدیک و بسیاری صفات زشت، کریه و نا معقول دیگر.

### علایمی از روان پریشی (سایکوتیک)

#### مشکلاتی در تفکر یا تمرکز حواس :

فراموش کار است و هرگز گذشته و اشتباهات خود را نقد نمی کند و هرگز هم نقد پذیر نخواهد بود.

### – عقاید عجیب و غریب :

از طرفی خود را مسلمان و رهرو حسین ابن علی می داند. از جانی هم سعی می کند تا پیازداغی از قوانین مارکسیستی به آن اضافه نماید. خودش نیز

هر سال عوام فریبانه قول سرنگونی حکومت را می دهد و زمانی که این سرنگونی محرز نمی شود دیگران را مقصر قلمداد می کند و از آنها طلبکار می گردد. اقسام انقلابات ایدئولوژیک برای بالابردن مقام خودش و پایین کشیدن ارزش همراهانش به پا می نماید.

### – عطش شنیدن تعریف و تمجید از طرف دیگران :

دوست دارد که او را به غلو رهبر عقیدتی، پاسخگو به خدا، قدیس و معجزه گر، و معشوقه اجاره ای اش را مظهر زیبایی، سیمرغ رهایی و رئیس جمهور مقاومت و برتر از تمامی فرمان روایان بنامند.

### – حق به جانبی و مقصر شناختن دیگران در اشتباهات :

تمامی شکست ها را پیروزی به حساب می آورد. جشن و پایکوبی به راه می اندازد. اسلحه به کمر می بندد. به مانند گربه پس و پیش می رود و تقلید از شیران می کند. جولان می دهد و در مقابل اسیرانی که راه گریزشان را بسته است قمپز در می کند.

### – استعمار نمودن افراد و ناتوانی در درک

#### احساس و عدم همدلی :

مغز ها را می شوید، مخ ها را می خورد، همسران را از یکدیگر جدا می کند، اطفال را آواره سرزمین های نا شناخته می نماید، قلب ها را از عشق و عاطفه تخلیه می کند و وعده های سر خرمی می دهد که هیچ زمانی به حقیقت نخواهند پیوست و قول هایی می دهد که در توبره هیچ عطاری پیدا نمی شود و همچنان با پررویی و بدون احساس شرمندگی به دشت آهوی ناگرفته می فروشد.



می خواهد تا از او به طور ویژه و چشم گیری حفاظت نمایند.

### برآشفته‌گی :

با شنیدن کوچکترین انتقادی برآشفته و دگرگون می گردد. منتقد را ترور کلامی و فیزیکی می کند و هوادارانش را بر علیه منتقد تحریک و او را در میان جمع مفتضح می نماید.

با این توصیفات درست و بجا نیست که مسعود و مریم رجوی را تنها رهبر فرقه مجاهدین بنامیم ، چرا که بطور عام در فرقه ها این تنها اعضا هستند که متحمل صدمات روحی و جسمی رهبران خود شیفته و روان پریش می گردند ، اما فرقه مجاهدین نه تنها به مانند انگل و ویروس مزمن ، و فراتر از مافیا سد راه پیشرفت مردم ایران گردیده ، بلکه صدماتی جبران ناپذیر به مردم دیگر سرزمین ها از جمله ملت عراق وارد نموده است.

و بر جامعه جهانی لازم و ملزوم است که این موجودات انسان نما را از سوراخ هایشان بیرون بکشند و به دادگاه های صالحه و یا موسسات روان درمانی تحویل بدهند.

معجونی به نام انقلابات ایدئولوژیک می سازد اما در عمل استالین ، هیتلر و موسولینی را رو سفید نموده است.

### - دوری گزیدن از اجتماع :

همراهانش را در قلعه ای به بند می کشد ، راه ارتباط با جامعه و درب دسترسی به آگاهی را برویشان می بندد ، خود را رهبر و پیش رو به حساب می آورد ، اما برای خودش در اعماق زمین مخفی گاه می سازد.

### - تفکر مختل :

منعکس کننده حرف های عجیب و غریب و از هم گسیخته است و هرگز قول و قرارهایش به واقعیت نمی پیوندد.

### - توهم :

متوهم است و دائماً با ادراکات غلط یا تخیلاتش دست به گریبان است.

### هذیان گوئی :

وانمود می کند که با ماوراء طبیعه در ارتباط است و خود را هم سطح و یا برتر از مراجع و راهبران دینی و مذهبی فرض می کند.

### - رفتارهای عجیب و غریب :

برای ظاهر شدن در میان نزدیک ترین طرفدارانش بدون اطلاع از درب مخفی وارد می شود ، ادا و اطوارهایی در می آورد که گویا شخصی مهم و برتر از دیگران است و وانمود می کند که همه جهانیان محل پیشرفت او هستند و به جایگاه و مقامش حسادت می ورزند ، لذا برای نابودیش طرح و برنامه ریخته اند. با این نوع توهمات از هوادارانش



## عضو برجسته باندرجوی در نمایش تکراری افتضاح فوکوس گیت ، فاش ساخت : ناکامی مجاهدین خلق ( فرقه رجوی ) در کلاهبرداری از احمد شهید

ایران دیدبان ، ۱۹ فروردین ۹۳

باندورشکسته رجوی این روزها در پی جوسازیهای جنگ طلبان ورشکسته علیه آقای حمید ابوطالبی نماینده تازه منصوب شده ایران در سازمان ملل متحد ؛ بهانه ای برای مطرح کردن خود پیدا کرده اند و با تمام قوا به صحنه آمده اند که به شکلی خود را به پرونده هوچی گری جنگ طلبان سنجاق کنند تا مورد توجه قرار گیرند.

به این منظور با دروغ پراکنی و تکرار اباطیلی که بارها و بارها از سوی مقامات ایتالیایی و مراجع این کشور نادرستی آن اعلام شده است ، مدعی شدند: «حمید ابوطالبی یکی از دیپلمات تروریستهای حکومت ایران است که روابط نزدیکی با رفسنجانی و حسن روحانی دارد و در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در ۲۵ اسفند سال ۱۳۷۱ در زمان اجرای ترور شهید محمد حسین نقدی نماینده شورای ملی مقاومت ایران ، سفیر حکومت ایران در ایتالیا بود که در شناسایی و طراحی و اجرای ترور شهید نقدی نقش مستقیم و فعالی داشت.»

نکته جالب آن است که اگر وی را به عنوان فرد مطلع مطرح می کردند بسیار عاقلانه تر به نظر می رسید اما از آنجا که رهبری ابله مجاهدین همواره از هول حلیمی که جنگ طلبان بار می گذارند در دیگ رسوایی و فضاحت می افتد ، مدعی شد که وی شخصاً نقدی را شناسایی و ترور وی را اجرا کرده است. این فضاحت تبلیغاتی یادآور ادعاهای بی اساس و جنجال و هیاهویی است که گروه تروریستی مجاهدین در سایت «فوکوس

ایران» در سال ۱۳۸۴ علیه دکتر محمود احمدی نژاد به راه انداخت و وی را به عنوان فرد گروگانگیر کارمندان سفارت آمریکا در تهران معرفی کرد و عکس فرد دیگری را به جای او منتشر نمود که برخی از همین مخالفان کنونی حمید ابوطالبی آن موقع ادعا کردند که احمدی نژاد از آنان بازجویی کرده است! یکی از اعضای ارشد باند رجوی ، «سنابرق زاهدی» که مسئول شانتاژ و فضا سازی علیه ایران در رسانه های عربی است به همین منظور در برنامه ارتباط مستقیم شبکه ماهواره ای مجاهدین - مورخ ۹۳/۳/۱۸ شرکت کرده و با برشمردن سوابق این دیپلمات کشورمان ژست مطلع بودن از سوابق - کاملاً آشکار - وی را گرفت و تلاش نمود که به نوعی جوسازی جنگ طلبان را پررنگ کند و با الصاق قضیه نقدی به سوابق ابوطالبی، بار دیگر گروه تروریستی مجاهدین را مطرح نماید. اما نکته بسیار حائز اهمیت در سخنان این عضو مهم باند رجوی که عنوان مسئول کمیسیون قضایی شورای ملی مقاومت را نیز یدک می کشد ، اذعان وی به ناکامی مجاهدین در کلاهبرداری از احمد شهید و جا دادن ادعاهای باند رجوی در گزارشهای وی بود.

زاهدی فاش ساخت که مجاهدین بارها از احمد شهید درخواست کرده اند که مسئله ساکنان لیبرتی و وضعیت این کمپ را در گزارشهای مربوط به ایران جا دهد اما وی از این کار امتناع کرده است و حاضر نشده است که این موضوع را به ایران ربط دهد.

وی که با یأس و ناامیدی از این ناکامی یاد می کرد گفته های احمد شهید و مقامات اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر را به خاطر بی اعتنایی به به وضعیت مجاهدین «ژست حقوق بشری» نامید.

تک دوستان ما و نه از مسئولان بالا در این زمینه نیز دست خطهایی به عنوان تعهد گرفته اند تا باز هم از نفرت پایین سازمان قربانی بگیرند.

در بین ما امضاء کننده های این بیانیه هستند عزیزانی که پدران و مادران و خواهر و برادرشان همچنان اسیر این فرقه هستند و هستند کسانی که دوستان عزیزانشان را هنوز آزاد نیافته اند. لذا همه ما برای آینده این عزیزان نگران هستیم و چه بسا که نگرانی ما با این فرمان رجوی و بازی کثیف با جان این اعضای باقیمانده که بهترین سالهای زندگیشان را در این فرقه بدون اینکه از دنیای بیرون خبری داشته باشند گذرانده اند... افزونتر شده است.

### آقای نخست وزیر

این برای ما مسجل است که مسعود رجوی به فکر راه حلی برای نجات افراد باقی مانده در لیبرتی نیست بلکه به فکر وقوع یک قتل عام دیگری برای بهره برداری در جهت نجات خودش از دستگیری و جلوگیری از فروپاشی فرقه اش می باشد که بهای آن را می بایست افراد لیبرتی و ما و خانواده های آنها بدهند.

ما امضاء کنندگان شما خواستاریم که در این زمینه برای نجات دوستان ما و افرادی از خانواده های ما تلاش بکنید قبل از اینکه مسعود رجوی بتواند فرمان و نیت کثیف خودش را به اجرا بگذارد.

### باتشکرو تقدیم احترام

خانم زهرا معینی - خانم زهراسادات میرباقری - خانم بتول سلطانی - خانم نسرين ابراهیمی - خانم حمیرا محمد نژاد - آقای محمد کرمی - آقای حسن پیرانسر - آقای احسان بیدی - غلامعلی حسین نژاد - آقای علی خاتمی - آقای رضا رجب زاده - آقای مهرداد ساغرچی - آقای مهدی خوشحال - آقای



**ساکنین لیبرتی در نامه مخفیانه خود تقاضای کمک کردند ( نامه سرگشاده به نوری المالکی )**

انجمن زنان ایران، ۱۴ فروردین ۱۳۹۳

**نامه اعضای انجمن زنان و برخی فعالین حقوق بشری برای درخواست کمک از نخست وزیر عراق و ارگانهای بین المللی برای خاتمه دادن به گروگانگیری رجوی**

با سلام خدمت نخست وزیر عراق جناب آقای نوری المالکی

ما امضاء کنندگان این بیانیه از اعضای سابق با سابقه های ۷ الی ۲۵ سال می باشیم که در این فرقه مخوف به رهبری مسعود رجوی بودیم که هرکدام از ما به شکلی از آن جهنم فرار کردیم...

آقای نوری المالکی همانطور که شما در جریان هستید رهبری این سازمان مسعود رجوی در آخرین پیامی که توسط دوستان ما تسلیم نیروهای شما در لیبرتی شده و بوسیله آنها به دست ما رسیده به صراحت گفته است باید در صورت تخلیه لیبرتی روزانه ۱۰۰ خودسوزی توسط نیروها انجام بشود و باکمال تأسف با خبر شدیم که مسئولین از تک به



تعدادی از فرماندهان بلند شدند و حاضر حاضر گفتند تا بقیه هم بگویند .

لذا از شما می خواهیم که صدای ما را به گوش صلیب سرخ ، حقوق بشر کمیساریا ، سازمان ملل ، و دیگر ارگانهایی که می توانند به ما کمک کنند برسانید زیرا در اینجا فضایی درست شده که هر لحظه امکان دارد آدمها خودسوزی کنند .

با تشکر و به امید

علی اکبر راستگو- آقای مهدی نیکبخت - آقای میرباقر صدیقی

**پیوست : متن نامه که تعدادی از دوستان که در لیبرتی هستند به افراد حفاظت عراقی در لیبرتی داده اند تا آن را به دست افرادی که از فرقه جدا شده اند برسانند**

اولا خوشحال هستیم که شما از این جهنم جان سالم به در بردید.

دوما نمی خواهیم اسمی از خودمان ببریم چون نمی دانیم که آیا این نامه به دست شما می رسد یا نه ؟؟

یا شاید این نامه را از ما بگیرند و برایمان درد سر درست کند لذا ببخشید که این نامه بدون اسم می باشد .

فقط می خواهیم شما در جریان باشید که در لیبرتی آماده باش صادر شده چون ( م . ر ) پیام داده که در صورت اخراج و یا خروج از لیبرتی دسته کم هر روز ۱۰۰ یا بیشتر باید خودسوزی کنید تا جامع بین المللی از خروج شما ممانعت به عمل آورد.

این یک فرمان نظامی همچون فرمان فروغ جاویدان است که حتی خواهر مریم تان نیز اعلام آمادگی کرد با دیگر برادران و خواهرانتان در صحنه نبرد باشد.

سپس از طریق بلند گو صدای تیک تیک ساعت گذاشته بودند که گفتند گوش کنید صدایی می آید به نظر می رسد ثانیه شماری از همین الان شروع شده است .

و بعد از آن فرماندهان به هر نفر یک کاغذ دادند که ما هم اعلام آمادگی کنیم .

فقط می خواهیم شما در جریان باشید که در لیبرتی آماده باش صادر شده چون ( م . ر ) پیام داده که در صورت اخراج و یا خروج از لیبرتی دسته کم هر روز ۱۰۰ یا بیشتر باید خودسوزی کنید تا جامع بین المللی از خروج شما ممانعت به عمل آورد.

لذا از شما می خواهیم که صدای ما را به گوش صلیب سرخ ، حقوق بشر کمیساریا ، سازمان ملل ، و دیگر ارگانهایی که می توانند به ما کمک کنند برسانید زیرا در اینجا فضایی درست شده که هر لحظه امکان دارد آدمها خودسوزی کنند .

رجوی در کمپ اشرف با چنین ابزارهای توانست جداشدگان "تیف" را "تروریست" و خود را مدافع صلح و آزادی معرفی نماید. "دیوید فیلیپس" مجری آن طرح شد و گوانتاناموی واقعی را برای کسانی که خواهان جدایی از فرقه رجوی بودند در "کمپ تیف" ایجاد کرد.

او در جشن نوروزی رجوی، توبه نامه اش را می خواند و مشتی تروریست و آدم کش را به جای مردم ایران معرفی می کند. او اکنون چیزی را می گوید که رجوی می خواهد؛

"من بیش از پنج سال را در عراق گذراندم و طی آن مدت بسیار درگیر پرونده مقاومت ایران بودم. اما طی یک سال اول نمی توانم بگویم که دوست آنها بودم."

"بسیاری از من پرسیده اند که چرا این کار را می کنی؟ چرا از مردم کشوری دفاع می کنی که هیچگاه آن را ندیدی؟

من در عراق درگیر موضوع خلع سلاح اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بودم و همچنین درگیر مسئله گردهم آوردن اعضاء در کمپ اشرف. در آن زمان فکر می کردم که با ۳۴۰۰ تروریست خطرناک مواجه هستم."

"بسیاری به من می گویند، مگر تو اصل و نسب ایرانی داری؟ من جواب می دهم که متأسفانه خیر. اما یک چیز مهم تر دارم.

من مردم ایران را در قلب خود دارم زیرا فرصت داشته ام از نزدیک با آنها آشنا شوم. آن هم تحت شرایط بسیار سخت و دشوار در اشرف و لیبرتی.



## شوی نوروزی رجوی در سنای آمریکا

محمد علوی، پاریس، ۱۲ فروردین ۱۳۹۳

سفره رنگین رجوی در نوروز ۹۳، نصیب سالن لابی سنای آمریکا شد.

یکی از شگرد های مداوم رجوی در اروپا و غرب، طرح جشن ها و مجالسی است که با شخصیت های رنگارنگ بازنشسته و لابی برگزار می گردد. محلی که هر کسی می تواند آنجا باشد و متأسفانه فارغ از حضور ایرانی های واقعی است.

رجوی با دلارهای کثیف و پرداخت هزینه بسیار گزاف به لابی های خود، جای بقیه را پر می کند و از آنان چیزی را می خواهد که می گویند! در نهایت شارلاتانیسم رجوی است که جا باز کرده است. اما به نام ایران و ایرانی تمام می شود.

در جشن نوروزی رجوی، تقریباً همه آنهایی که پول دریافت می کنند حضور دارند. اما حرف ها و تصویر یکی از آنها جالب است. کسی که پس از دریافت پول توبه کرده و عاشق تروریست های رجوی شد. او ۵ سال روزگار جداشدگان و ساکنان "تیف" را سیاه نمود و همزمان در کنار و گوشه کمپ اشرف با زنان رجوی به بزم نشست.

این هدیه یی است که حسین مدنی در کمپ اشرف آن را به من داد و نشان می دهد .

برای من اهمیت دارد و رسالت من خاتمه نخواهد یافت تا وقتی تمام کسانی که سال نو ایرانی را با آنها در سال ۲۰۰۴ جشن گرفتم آزاد شوند و بتوانیم سال نو آینده را در تهران جشن بگیریم."

همه می توانند آرزو کنند. اما برای کسانی که دوران بازنشستگی را به دلار های دریافتی از رجوی و شارلاتانیزم آلوده اند ، باید گفت ، هم مسلکان و پیشینیانش نیز چنین می گفتند ، اما به گور بردند!

۳۱ مارس ۲۰۱۴

محمد علوی



تصویری از "مردم ایران" در قلب دیوید فیلپس

گفتم که مردم ایران در قلب من جای دارند. شاید هم اصلاً اصل و نسب من ایرانی باشد. زیرا آنقدر به مردم ایران عشق می ورزم که همیشه هدیه یی را که در کمپ اشرف به من داده شد در کنار قلبم دارم.



لیبرتی را سفت و سخت تر کرده و در تعدادهای بالا مستمر در حال گشت و خبر چینی از این اسیران هستند.

چرا سران فرقه نمی گذارند این اسیران به زندگی عادی خود برگردند ترس از چیست ؟

آیا مگر همین سران فرقه نمی دانند که سازمان تمام شد اشرف بسته شد و لیبرتی نیز در حال تخلیه است ؟

آیا مگر همین سران فرقه نمی دانند که دیگر خبری از سرنگونی نسیت ؟

آیا مگر همین سران فرقه و شخص رجوی در پیامی خودش به زبان بی زبانی نگفته است که سازمان تمام شده ولی باید پرونده سازمان با کشتن شما به خوبی بسته شود ؟

پس علت چیست و ترس از چیست که نمی گذارند این افراد بی دفاع به زندگی عادی خودشان برسند ؟

لذا ما از دولت عراق و حقوق بشر عراق و تمامی سازمانهای بشر دوست می خواهیم که هر چه زودتر برای آزادی این اسیران اقدام کنند و نگذارند رجوی طرح شوم خود را عملی کند .

محمود سپاهی

انجمن یاران ایران پاریس



## درگیری های اخیر در لیبرتی برای سران فرقه نگران کننده است

محمود سپاهی ، ۲۰ فروردین ۹۳

یک منبع خبری گفت : تعدادی از افراد مستقر در لیبرتی با فرماندهان خود درگیر شده و خواستار خروج از کمپ شده اند اما فرماندهان و سران فرقه مانع از خروج این افراد شده اند.

به همین منظور تعدادی از این ناراضیان به مدت دو روز در بیرون از محلهای خواب خود اعتصاب کرده و خواستار خروج از کمپ شده اند که با ضرب و شتم فرماندهان و تعدادی از مزدورهای رجوی تهدید و به محل بازگردانده شدند.

لذا از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل صلیب سرخ و دیگر ارگانهای بشر دوست به خصوص حقوق بشر عراق می خواهیم که به کمک این اسیران رفته و آنها را از زندانهای رجوی نجات دهند زیرا صدای آنها به هیچ جایی نخواهد رسید و تنها شما انسانهای بشر دوست هستید که می توانید آنها را نجات دهید.

سران فرقه با تهدید و زور آنها را به سکوت و داشته اند تا دیگر اسیران نتوانند چنین کاری را انجام دهند . فرماندهان رجوی گشتهای داخل

سنگرانی های کذائی ، گرفتن اوقات و انرژی آنها در جهت سلب هر نوع تفکر آزادانه ، کاشتن کینه های حیوانی در وجود این اسرا ، از بین بردن عشق و محبت فطری و... از جمله اقدامات مسعود رجوی و گماشته هایش، از مصادیق بارز نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی بوده که متأسفانه در قلمرو حکومتی جناب عالی اتفاق می افتد .

تلاش تبلیغی و عملی زیادی بر دخالت در جزئی ترین امور داخلی عراق و ایجاد شبهه ی وجود حاکمیت دوگانه در عراق ( حاکمیت ملی عراق و رجوی ) ، از زمره ی اقدامات آشکار دیگری است که فرماندهان گمارده شده ی رجوی در کمپ لیبرتی - به عنوان قسمتی از خاک کشور عراق - انجام می دهند.

اکثریت مطلق این گروهان ها ، با وعده کار و آزادی و رفاه بیشتر فریب خورده و به مناسبات رجوی کشیده شده و در انتخاب راه خود و برگزیدن رهبران فرقه مجاهدین و تعیین خط مشی سازمان ، کوچکترین نقشی نداشته و ندارند.

ما هنوز هم از میزان ضایعات انسانی که در جریان اعتصاب غذای تحمیلی رجوی و نیز تبعات منفی حملات خمپاره ای گذشته ، کوچکترین اطلاعی نداشته و کسب اطلاع از این مسائل و ملاقات کنترل نشده و آزادانه ی خود از اهالی کمپ لیبرتی را حق مسلم خود دانسته و تحقق آن را کماکان و اینک با نگرانی بیشتر از دولت محترم عراق خواستار بوده و کمک به اعزام هر چه سریع تر این گروهان ها به کشورهای ثالث و تامین آزادی و سلامتی آنها را وظیفه ی مبرم دولت شما و سازمان ها و نهادهای ذیربط جهانی می دانیم!

گروهی از اعضای خانواده اسرای رجوی

رونوشت:

- ۱- نماینده سازمان ملل در عراق
- ۲- نماینده حقوق بشر در عراق
- ۳- نماینده کمیساریای عالی پناهندگان در عراق



## درخواست مساعدت برای رفع نگرانی اعضای خانواده های اسیر لیبرتی

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی ،  
چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۲

نامه سرگشاده جمعی از اعضای خانواده استان آذربایجان شرقی ، به جناب آقای نوری المالکی ، نخست وزیر محترم عراق

با عرض سلام و ادای احترام

کاملاً مستحضرد که تعدادی از جگر گوشگان ما ، اسیر و گروهان سازمان تروریستی فرقه رجوی (معروف به سازمان مجاهدین) در کمپ لیبرتی بوده و در شرایط بعضاً معلوم و گاه نامعلومی بسر برده و به همراه ما اعضای خانواده ها مدام در استرس ناشی از حمله های احتمالی خرابکارانه و مشکوکی بسر می برند و چه بسا این خرابکاری ها به دست رهبران فرقه رجوی و با هدف کشته سازی و مظلوم نمایی ، متعاقب آن صورت گرفته و مسلماً تضعیف دولت شما و حق حاکمیت ملی مردم عراق نیز ، در این اعمال مدنظر است، انجام می گیرد. تداوم تشکیل جلسات مغزشویی ، ندادن امکان برقراری تماس با خانواده ها ، جلوگیری از حضور و ملاقات ما با این عزیزان در کمپ لیبرتی ، لغو امکانات لازم برای دسترسی به اطلاعات آزاد جهانی ، کشیدن بیگاری های مربوط به



اسامی خانواده های امضا کننده :

اصغر فتحی  
ابوالفضل شیخ بیگلر  
عبدالله سبزچی دهخوارقانی  
بخشعلی علیزاده  
شهرام بهادری  
یوسف خوب زمانی  
حسن رهنمای آناختون  
شهرود بهادری  
محمد رضا صدیق  
محمد رضا قدیمی سرنند  
علی جودت هرگلان  
صمد تاج محجل  
حسین امیری پارام  
سلمان دولت پناه  
بهرام حسن پور  
اصغر واحد رضایی  
منصور عباسخانی  
سید رضا تارا  
محمد علی باغبان باشی  
محمد رضا پورمهدی  
خلیل محرم زاده  
اسداله فیاض دیزجی  
فیروز ساعدی  
میر مجید رئیسی اسکویی  
مرتضی اکبری نسب  
خیراله محمد علییان  
علی اصغر کرمی  
محسن سرداری  
یعقوب بازمان ملکی  
کریم نعلبندیان  
مجید اشک خونی  
میر محسن مرتضوی  
محمد مشایخی

## تهران آمادگی خود را برای بخشیدن صدها تن از ایرانیان تبعید شده به عراق اعلام کرد

### اليوم السابع

سه شنبه ۵ فروردین ۱۳۹۳

"حسن دانایی فر" سفیر ایران در عراق روز چهارشنبه بر آمادگی ایران برای بخشیدن صدها تن از مخالفان ایرانی تبعید شده به عراق و اجازه بازگشت آنان به کشور، تاکید کرد. این در حالی است که اردوگاه لیبرتی در نزدیکی بغداد، حدود ۳۰۰۰ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق را در خود جای داده که این افراد منتظر انتقال خود به کشور ثالث هستند.

خبرگزاری مهر به نقل از "دانایی فر" عنوان کرد: «پس از انجام تحقیقات و بررسی ها، ۴۲۳ عضو مجاهدین خلق که پرونده های قضایی ندارند، می توانند به ایران بازگردند.»

وی افزود: «ایران آماده بخشیدن اعضای است که کسی را نکشته اند و هیچ گونه اتهامی علیه آنان وجود ندارد.»

سفیر ایران در بغداد همچنین خاطر نشان کرد که تعداد زیادی از فعالان مجاهدین خلق تمایل به بازگشت به ایران دارند اما سران شان، آنان را منع کردند.

سفیر ایران در عراق همچنین افزود: «"مصطفی پورمحمدی" وزیر دادگستری ایران اواخر مارس برای امضای توافق نامه دوجانبه به منظور انتقال و تبادل محکومین، به عراق سفر خواهد کرد.»

فعالیت‌های اتمی ایران و حق غنی سازی در تهران رسیدند و فضای جنگ و اضطراب جای خود را در دولت جدید به تعامل و ارتباط با غرب داد.

و جالب اینکه هر چه مجاهدین به کمک لابی‌های آمریکایی و اسرائیلی دامن می زدند و یا با برگزاری کنفرانس‌های متعدد خبری و عکس‌های ماهواره‌های اسرائیلی سینه چاک می دادند قادر نبودند و نمی توانستند جلوی خواسته همکاری غرب با تهران را بگیرند و هیچ گوش شنوایی در چهار گوشه جهان صدای آنان را نمی شنید و آنان را به وضوح پشیزی ارزش قائل نبود.

اکنون تنها ۴ ماه از این ارتباط نگذشته است که پارلمان اروپا خواستار بازگشایی دفتری رسمی در تهران شده است که این خبر خود بازگو کننده رابطه عمیق و دراز مدتی است که اروپا برای ایران در نظر گرفته است.

از سوی دیگر بحران اوکراین و جنگ سرد جدید روسیه و آمریکا سبب همکاری نزدیک‌تر تهران و مسکو شده است و اکنون در خبرها آمده است که تبادل نفت در برابر کالا توافق جدیدی است که نشان می دهد روسیه برای فشار آوردن به آمریکا و دهن کجی آشکار برای اروپا راه و چراغ سبز دیگری را برای تهران روشن کرده است و طبعاً حکومت تهران از این موقعیت سود می برد.

اکنون سؤال این است که نتیجه تکاپوی شبانه روزی مجاهدین برای ایجاد شک و شبهه با انواع شیوه‌های غیر کار آمد و با انواع دروغ پردازی‌هایی که در کنفرانس‌های خبری سازماندهی می شد به چه نتیجه‌ای رهنمون شده است و مسعود رجوی حال برای اعضای سرگردان و بی آینده در لیبرتی چه داستانی را سر هم خواهد کرد.



## در خواست پارلمان اروپا برای ایجاد دفتر رسمی در تهران

میلاد آریایی، ۱۵ فروردین ۱۳۹۳

در شرایطی که مجاهدین با تلاش بی‌وقفه و شبانه روزی تا همین ۶ ماه گذشته سعی می کردند از برگزاری اجلاس ژنو جلوگیری کرده و مانع توافق اروپا و آمریکا بر سر برنامه اتمی ایران شوند.

در هنگامی که با افتضاحی تاریخی و غیر قابل وصف مجاهدین مجبور به ترک خاک پادگان اشرف به عنوان اصلی‌ترین پایگاه استراتژیکی خود در خاک عراق شدند و در این مسیر جان ۵۳ انسان رانیز ضمیمه آن کردند.

در موقعیتی که مسعود رجوی و شورای دست سازش دچار شکافی و عمیق و از دست دادن دو تن از ۴ عضو غیر مجاهد شورای کذایی شد و در بنیاد تاب تحمل چنین ضرباتی را نداشت.

و در همین امتداد بود که بی سر و صدا اعتصاب دروغین برای نجات ۷ گروگان در حمله به پادگان خود را به بهانه حکم دادگاهی در اسپانیا !!! یواشکی خاتمه داده و آنرا پیروزی بزرگی قلمداد می کرد.

اهسته و پیوسته دو جریان درغرب و اروپا به ایران نزدیک و نزدیک‌تر شده و نهایتاً در آذر ماه سال ۱۳۹۲ به توافق مهمی پیرامون مسیر



و این مثال « جک استراو » سیاست مدار تاریخی و وزیر امور خارجه انگلیس در زمان « تونی بلر » که حکایت مجاهدین را اینگونه فرموله کرده بود به یاد می آورد که می گفت :

قدرت نظامی مجاهدین در برابر تهران به مانند تخم مرغی است که بر یک دیوار بتونی فرود آید »

و آیا گذر ایام فارغ از اینکه چه کسی این حرف را زده است پس از نزدیک به ۱۶-۱۵ سال همین حقیقت را بازتاب نمی دهد؟

**جک استراو سیاست  
مدار تاریخی و وزیر  
امور خارجه انگلیس در  
زمان « تونی بلر »  
حکایت مجاهدین را  
در برابر ایران این  
گونه فرموله کرده بود  
و می گفت : قدرت  
نظامی مجاهدین در  
برابر تهران به  
مانند تخم مرغی  
است که بر یک دیوار  
بتونی فرود آید .»**

مگر این رجوی نبود که می گفت با خروج از لیست گروههای تروریستی آمریکا راه بند پیشرفت و اقدام برای سرنگونی حکومت تهران برداشته شده است ولی اکنون باگذشت زمانی طولانی شرایط برای آنان بدتر شده که بهتر نشده است.

راستی در آینده نزدیکی اروپا و غرب به تهران که آن را علناً اعلام و با درخواست برپایی دفتر رسمی در تهران بلند فریاد می کنند چه سرانجام و سرنوشتی برای پایگاههای متعدد مجاهدین در خاک اروپا و به ویژه در فرانسه رقم زده است؟

آیا اروپا بین حکومت تهران و مجاهدین برای چند صدمین بار حکومت تهران را پذیرفته است و اگر در این مسیر پوئن یا امتیازی برای مجاهدین قائل می شود بیشتر یک خروس قندی در بازی سیاست است که جلوی مجاهدین پرتاب می شود؟

در معادلات پیچیده و درهم سیاسی امروز که کانون سیاسی خبرها به یک شب و روز از سوریه برداشته شده و روی روسیه و تحولات اوکراین متمرکز می شود آیا مجاهدین و مریم رجوی طعمه یک حریق سیاسی از آن نوعی که در سال ۲۰۰۲ و تسخیر بیش از ۱۶۰ پایگاه مجاهدین در خاک فرانسه ، نخواهند شد؟

آیا چنین نگاهی به مسایل ایران و اروپا دور از تصور است ؟

در این مسیر قطعاً بازی ایران و تحرکات سیاسی وی که اکنون به نظر می رسد بسیار کار پخته تر عمل می کند جایی که لازم باشد در تحولات اوکراین سکوت اختیار می کند و در جایی دیگر چون سوریه علناً به دفاع بر می خیزد مبین این حقیقت سیاسی است که مجاهدین بعد از بسته شده اشرف به آرشیو و بایگانی دوره های سیاسی و سیاست هایی که به قولی هیچ پدر و مادر ندارند نقل مکان می کند.



## یک روز کاری در جهنم اشرف (کمپ سابق مجاهدین خلق، فرقه رجوی در زمان صدام حسین)

غفور فتاحیان، ۱۸ فروردین ۱۳۹۳

آنچه را که در زیر می خوانید قصه و یا داستان نیست بلکه یک روز کاری در جهنم اشرف است .

ساعت یازده شب تازه از سر کار یدی طولانی برگشته بودیم امروز تعهد کاری گذاشته بودند البته هر روز همین نوع تعهدهای کاری بود ولی این یکی نفسمان را درآورده بود در نتیجه همه خسته و کوفته به مقرمان رسیدیم در هنگام پیاده شدن از خودرو ایفا جلال پرارش ، اف جی مقر فوراً آمد و گفت تا ده دقیقه دیگر نشست ششسوی مغزی یا همان نشست عملیات جاری که رجوی می گوید شروع می شود و نشست هم با اف ام یعنی مریم اکبری است.

من هم هیچ گزارشی ننوشته بودم با خودم گفتم الان با فحاشی های مریم اکبری چکار کنم خلاصه نشت شروع شد و مریم خانم آمد دیدم خیلی عصبانی است شروع به داد و بیداد و فحاشی کرد و گفت چرا امروز از تعهد عقب بودید یکی از بچه ها بلند شد و گفت :

به دلیل اینکه این حجم کار مربوط به یک هفته بود تازه با دو برابر تعداد نفراتی که رفته بودیم مریم اکبری که بیشتر عصبانی و افسار پاره کرد بود گفت : نه نه اینطوری نیست .

شماها آنقدر درگیر جیم و دوران هستید ذهنتان نمی کشد که کار کنید باید بروید این فاکتها را دستگیر کنید و بنویسید و بیاورید بخوانید.

جهت اطلاع خوانندگان منظور این زنک یعنی مریم اکبری از مسائل جیم و دوران یعنی درگیر مسائل

جنسی است. خلاصه مریم اکبری بلافاصله مرا صدا زد و گفت : فاکتهایت را بخوان من هم گفتم من امروز فاکتی نداشتم چون از صبح تا الان سر کار بودم .

مریم خانم که خیلی زن بی عفت و کلامی بود دوباره فحاشی را شروع کرد و در این میان چند نفر دلک هم که در این نشست نقش آتش بیار معرکه بودند با او همراه شدند تا من می خواستم جواب بدهم که بگویم این چند تا دلک ذلیل که به علت بیماری نای را رفتن ندارند نباید حرفی بزنند.

که یکی از بچه ها به اشاره به من گفت جان مادرت کوتاه بیا وگرنه امشب از خواب خبری نیست و این ماده سگ هم دنبال بهانه است من هم نگاهی به بچه ها انداختم و متوجه شدم همه با نگاهایشان همین حرف را به من می زنند در دلم غوغای بود که تا به کی باید در مقابل این همه بی عدالتی و ستمگری و برده داری سکوت کرد باید فکر دیگری کرد.

در این میان مریم خانوم یک ریز داشته فحاشی می کرد من هم گفتم بله شما راست می گوید : من کوتاهی کردم و گزارش روزانه ننوشتم همین الان تا نشست تمام نشده و بچه های دیگر می خوانند من هم می نویسم مریم اکبری پیروزمندانه گفت : می دانم که شماها روزانه دستان در دستان وزارت اطلاعات ایران است و باید با زور و این حرفها شما ها را درآورد.

البته اضافه کنم که اطلاعاتی و پاسدار بودن در سازمان یک چیز عادی و مد شده بود چون هر کسی کوچکترین مخالفتی می کرد فوراً می گفتند این اطلاعاتی و یا پاسدار است.

خلاصه نشست ششسوی مغزی با رفع بلا به پایان رسید.



بیست سال است که همدیگر را می شناسیم و با هم دیگر محفل داریم کدام حرف بین ما رد و بدل شد و کسی از آن خبردار شده .

افسر امنیت که خیلی به من اعتماد داشت گفت : دیشب سه نفر از مرکز چهار فرار کردند و امروز صبح هم صدیقه حسینی نشست گذاشته و پدر همه را درآورده .

من هم به او گفتم : این که خیلی عادی شده خیلی بیشتر فرار می کنند ما خبر نداریم در حال رفتن به پست نگهبانی بودم و گفتم راستی تو کی فرار می کنی به من گفت : هر وقت رهبری در برود من هم فرار می کنم . گفتم : مریم که رفته حال مسعود هم که معلوم نیست کجاست او هم در رفت و تو ماندی.

خلاصه به سرپست رسیدم و پست نگهبانی را تحویل گرفتم و تا نشستم دیدم نگهبان بعدی دارد می آید خوب بود کمی توانسته بودم چرت بزنم فوراً پست را تحویل دادم .

بدو رو به سمت اسایشگاه مرگ رفتم تا بلکه بتوانم از چهل دقیقه باقی مانده استفاده کنم و کمی بخوابم در بین خواب بیداری بودم که یکدفعه صدای لعنتی شیپور بیدار باش که مانند ناقوس مرگ بود بلند شد و در همین حال هم جلال پراش گفت : بچه ها بیدار شدید خیلی کار از دیروز مانده است و از تعهد و راندمان عقب هستیم.

در ذهنم در حالی که به او فحش می دادم گفتم : تا کی باید به این خرکاری ها ادامه داد باید فکری کرد با هر جان کنده بود بیدار شدم که بلکه سریع به صبحانه برسم.

چون یک ربع بیشتر وقت صبحانه نبود و طبق دستور پرسنلی بعد از یک ربع صبحانه جمع آوری می شد و آنوقت تا ساعت یک بعد از ظهر گرسنه

من هم سریع به سمت آسایشگاه رفتم که زود بخوابم چون کارمان جابجایی انبار تدارکات از یک سوله به سوله دیگر بود. بدلیل اینکه در مقر ما از میان صد و پنجا نفر به زور پانزده نفر آدم سالم برای این کار پیدا شده بود و بقیه از دور خارج و کمری شده بودن و یا به علت کار یدی طولانی به درستی نمی توانستند راه بروند و در انجا یک شوخی بین همه بود که به ارتش دست ساز رجوی می گفتند : ارتش معلولین تازه رجوی با این آدمهای از دور خارج سودای سرنگونی را هم در سر داشت .

حال بگذریم که این هم برای خر حساب کردن اعضای اسیر خود بود چون هیچ کسی در جهنم اشرف از بالاترین مسئول تا پایین ترین نفر به سرنگونی و تمام خط و خطوط رجوی اعتقادی نداشت.

داشتم می گفتم با سرعت خودم را به آسایشگاه رساندم و بلافاصله گفتم یک درازی بکشم و آنوقت لباس عوض کنم و دوش هم بگیرم که شاید خستگی در برود یک دفعه متوجه شدم یک نفر مثل عزرائیل بالای سرم ایستاده و دارد مرا تکان می دهد و می گفت :

« که نگهبان هستی » من هم گفتم خیلی خسته هستم نمی توانم نگهبانی بدهم دیدم به التماس افتاد و گفت بخدا قسم من از شما بیشتر خسته هستم اگر تو نیاید من باید جای تو نگهبانی بدهم دلم به حالش سوخت و به هر ترتیبی بود بیدار شدم داشتم با زور به سمت کیوسک زهرماری نگهبانی می رفتم که در بین راه افسر امنیت مقرمان را دیدم به او گفتم تو چرا نخوابیدی.

در جا گفت : بابا امروز بیچاره شدیم من هم گفتم چی اتفاقی افتاده . افسر امنیت که خیلی با من دوست بود به من گفت : اگر به تو بگویم به کسی نمی گویی . گفتم بابا الان من و تو بیشتر از



یکی دیگر از بچه ها به هم ریخت و گفت : ما که رباط نیستیم که این طوری برنامه را فشرده کردید حداقل آنکه این برنامه را چیده خودش پشت میز نشسته و همینطوری نوشته است و اینطوری می خواهید خون ما را در شیشه کنید.

بله دوستان آیا می دانید که چرا رجوی و همپیالگی هایش این طوری برنامه را می چینند برای اینکه سفارش مریم قجر است که آنقدر کار از نفرات بکشید که شب نفرات وقتی روی تخته استراحت می روند سر و ته تخت را تشخیص ندهند برای اینکه به جیم و دوران و خانه و زندگی و پدر و مادر فکر نکنند.

اری دوستان در قرن بیست یکم هنوز در این سازمان برده داری مدرن وجود دارد در حالی در اردوگاه های کار اجباری هستید هم چین چیزی وجود نداشت و مریم قجر در همین فرانسه از مافوق دموکراسی صحبت می کنند برای کلاه برداری سیاسی .

غفور فتاحیان

می ماندیم هنوز اولین لقمه صبحانه از گلویم پایین نرفت بود که فرمانده یگان آمد گفت بچه ها بلند شوید .

من سه دقیقه دیگر دستور روز را می خوانم در دلم به او گفتم : ای لعنت خدا بر تو و آن رهبری عقیدتی که از این یک ربع هم به عناوین مختلف می زنید.

برای دستور به خط شدیم و فرمانده گفت : برای بیش بردن تعهد صد برابر خواهر مریم به مدت دو ماه دستور به شرح زیر است :

بیدار باش ساعت ۴،۳۰

۴،۳۰ تا ۵ صبح نماز و کار فردی

۵ تا ۵،۱۵ صبحانه

۵،۱۵ تا ۵،۳۰ دستور

۵،۳۰ تا ۱۲،۳۰ کار

۱۲،۳۰ تا ۱ نهار و نماز

۱ تا ۶ بعدازظهر کار

۶ تا ۷ نشست روزانه و نشست یگان

۷ تا ۸ شام و نماز

۸ تا ۱۱،۳۰ نشست شستشوی مغزی و غسل روزانه

۱۱،۳۰ خاموشی

یکی داد زد و گفت : چرا ورزش روزانه را حذف کردید ؟ فرمانده در جواب گفت : باید از تعهد خواهر مریم بچینند نه از ورزش جیم.



## مرغ فرقه تروریستی مجاهدین فقط یک پا دارد؛ تناقض، جوهره اصلی تحلیل های رجوی

ایران دیدبان، ۲۱ فروردین ۹۳

بی تردید یکی از عوامل بسیار مهم و مؤثری که رجوی را به خاک سیاه نشاند و فراری کرد و باندش را به فلاکت کشاند، تحلیل از پایه غلطی است که از ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران دارد و نیز برداشت های نادرستی که مطابق با توهماتش از اظهارات مسئولین و یا فعالان سیاسی داخلی می کند. برداشتهای رجوی از نظام جمهوری اسلامی قبل از هر چیز مبتنی بر خودبرتربینی و ضعیف فرض کردن طرف مقابل است، ایدئولوژی مجاهدین را نیز نیاستی چیزی فراتر از این خودبرتربینی و شیفتگی و خود را نوک محور تکامل فرض کردن دانست و از این رو، تحلیل های رجوی ایدئولوژیک و لاجرم جزم اندیشانه و نابخردانه است و در بسیاری از موارد حامل تناقضات عمیق و لاینحلی است که تنها در دستگاه فرمالیستی مجاهدین می توان آنها را نادیده گرفت و همچون بنیادی بر روی آب از آنها نتیجه دلخواه هم گرفت! ریشه و اصل این دیدگاه خودبرتر پندار که رجوی که از بدو پیروزی انقلاب تا سی خرداد نیز بارها و بارها آن را به طرق گوناگون بیان داشت، قائل بودن به اصل ناتوانی حاکمیت و نداشتن تشکیلات و انسجام و دانش و... است. نکته جالب این که بارها با تکبر به دست اندرکاران گوشزد کرده بودند که بایستی برای کارها از مجاهدین که دارای تشکیلات منسجم هستند کمک گرفته شود، بعد هم که بنی صدر را از بدنه حاکمیت جدا کردند، حرفشان این بود که بارفتن بنی صدر دیگر هیچ امیدی به حاکمیت نیست و جمهوری اسلامی کارایی و اعتبارش را یکجا از دست داده است. بعد از آن برای مدتی ماندگاری جمهوری اسلامی را به کاریزمای آیت الله خمینی

ربط دادند و بعد از فوت ایشان تا به همین امروز در شیپور دو سره و سه سره و شقه شدن و حاکمیت دوگانه و باندهای متضاد دمیده اند. طبیعی است که از رهگذر چنین برداشتی هر اظهار نظری و اختلاف آراییی، جنگ جناحی تلقی شود و نتیجه اش شکست و ناکارآمدی باشد. امروز که سی و پنج سال از عمر جمهوری اسلامی می گذرد و بحرانهای زیادی را پشت سر گذاشته و به رغم تحلیل های صد من یک غاز رجوی در مورد جنگ جناحی و شقه شدن حاکمیت و بحران فروپاشی، با وجود تناقض آشکار وجه دیگری از مواضع مجاهدین مبنی بر ابعاد تأثیر جمهوری اسلامی در منطقه و جهان که نشانه ای از اقتدار این حکومت می باشد، مرغ فرقه تروریستی مجاهدین در قضیه مذاکرات هسته ای یک پا دارد و آن هم این است که این مذاکرات با هر نتیجه ای و موفق یا ناموفق به نابودی جمهوری اسلامی می انجامد، در حالی که به اذعان بسیاری از کارشناسان این مذاکرات اتفاق بسیار مهمی است که بسیاری از مشکلات سیاسی - اقتصادی ایران را حل خواهد کرد و حتی خود مجاهدین آن را «راه تنفس» جمهوری اسلامی می دانند! امانتکته جالب اینجاست که رهبری مجاهدین برای آن که تناقض تحلیل های نامربوط خود را بپوشاند، در لابلاي اظهار نظرهاي مقامات و فعالين سياسي داخل کشور جستجو می کند تا یک نظر انتقادی را به معنای مخالفت کلی با مذاکرات و در نتیجه جنگ بین جناحها قلمداد نماید و جالب تر این که می کوشد تا واکنش های مخالف به بیانیه پارلمان اروپا را به بحث هسته ای و برداشت دلخواه خود از موضوع بکشانند و سرآخر هم به نتیجه همیشگی بکشاند که این نظام در حال سقوط و فروپاشی است.

نمونه جالبی از تناقض گویی در سرسخن اخیر سایت مجاهدین با عنوان «آثار زهر و خطر قطعنامه» قابل دست یابی که از شدت پرتناقض بودن خود نویسنده را نیز به طرح یک سوال فلسفی



کشانده است که با این کار مضحکه بودن تحلیل‌های رجوی را به اوج می‌رساند، نویسندگان خود می‌پرسد:

«اگر رویکرد این دار و دسته‌ها و ولایت را اصل بگیریم باید شاهد توقف یا لااقل کند شدن روند مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵ باشیم اما آیا نظام ولایت که بر روی زانوهای خونین به پشت میز مذاکره رفته است رمق چپ کردن میز مذاکرات را دارد؟»

و در پاسخ به این سوال و از زبان همان منتقدانی که مخالفتشان با بیانیه پارلمان اروپا را فرض بر مخالفت با مذاکرات هسته‌ای گرفته است پاسخ می‌دهد که ایران به تعهدات خود در این مذاکرات پایبند خواهد بود.

اما با این وجود نویسندگان ابله، با وجود تناقضات فراوان و ربط دادن موضوعات بی‌ربط به یکدیگر نتوانسته است که تحلیل رهبر عقیدتی‌اش را نادیده بگیرد و در آخر سر باز هم نابودی نظام را وعده داده است:

«اگر بپرسید دلیل این تناقض مستمر و ابراز وحشتهای پیوسته به آن چیست؟ در یک کلام جواب این است که نظام در هم شکسته ولایت در محاصره بحران و تحریمها در بن بستهاهای همه جانبه گرفتار است و هیچ راه برون رفتی در چشم انداز نمی‌بیند. این دوگانه گویه‌ها ناشی از این بن بست عمیق رژیم است.»

این بند آخر در حقیقت پاسخی که نویسندگان خطاب به خود و رهبر فراری‌اش و البته به زبانی وارونه بیان داشته است و با همین جمله می‌توان فهمید که بقایای رجوی تا چه اندازه قافیه را باخته و تا چه حد در باتلاق بحرانها فرو رفته اند!

## یک منبع امنیتی: پیوستن عناصری از سازمان خلق به داعش

### سایت القانون

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۳

یک منبع امنیتی در عراق: «گزارش‌های اطلاعاتی و امنیتی نشان می‌دهد "ظافر العانی" و "سلیم الجبوری" عضو حزب "متحدون" در پارلمان عراق با نزدیک شدن موعد انتخابات پارلمان به منظور حمایت از سازمان‌های تروریستی در عراق و تثبیت هسته تشکیلاتی داعش در بغداد و فرات مرکزی اقداماتی انجام داده که این اقدامات با هدف سیطره بر برخی مناطق در بغداد به منظور سرگرم کردن ارتش در درگیری‌های فلوجه و دیگر مناطق صورت گرفته است. این منبع همچنین افزود "سلیم الجبوری" رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان عراق با سوء استفاده از جایگاه خود زمینه فرار تعداد زیادی از مبارزان خلق به منظور اسکان آنان به همراه خانواده‌های آواره فلوجه را ترتیب داده است و از این طریق زمینه را برای خروج آنان به مناطقی که مورد توافق قرار گرفته، فراهم نموده است. وی همچنین خاطر نشان کرد: «روند همراه ساختن مبارزان خلق با خانواده‌ها بسیار ساده و آسان صورت گرفت به طوری که اعضای خلق وارد آن مناطق شده و خود را به عنوان خانواده معرفی کردند چرا که مبارزان زن نیز همراه آنان بودند.» این منبع همچنین تأکید کرد برخی از اعضای خلق توانستند پست‌هایی را در داعش به دست آورده و همچنین موفق شدند ۴ وزارتخانه از دولت اسلامی عراق و شام را بدست آورند.



## پیام نوروزی مریم رجوی ، تکرار یک فانتزی

مзда پارسی، ۱۶ فروردین ۱۳۹۳

هر ساله وقتی که سال نو ایرانی آغاز می شود ، سران کیش شخصیتی مجاهدین خلق در مراسمی پر زرق و برق پیامی به اعضای فرقه - به زعم خودشان مقاومت - تقدیم می کند اما این پیام پس از گذشت سه دهه همواره شامل یک جمله ی مشترک و تکراری بوده است: " سال جدید ، سال سرنگونی جمهوری اسلامی است. " با این وجود ، پیام امسال مریم رجوی نکته ی اندکی تازه داشت ، " رژیم در مرحله ی آخر سرنگونی است " (!) حال این که رژیم کی مراحل آغازین سرنگونی را گذرانده که اکنون به مرحله ی پایانی رسیده است ، بماند. رجوی بنای این ادعا را بر آن چه " قیام بختیاری ها " می خواند ( همان تجمع اعتراضی بختیاری ها در اعتراض به دیالوگ توهین آمیزی در سریال تلویزیونی که با عذرخواهی مسئولین سریال و شبکه خاتمه یافت) می گذارد و همین طور به طرز مضحکی سرنگونی جمهوری اسلامی را مبتنی می کند بر جشن باستانی چهارشنبه سوری در کوچه و خیابان های شهرهای ایران .

جشنی که سنت هزاران ساله ی ایرانی هاست و در آن با آتش بازی و پریدن از روی آتش مردم برای یکدیگر طلب خیر و شادی می کنند. تحلیل خلاقانه ی مریم رجوی برای نسبت دادن جشن و سرور ملت ایران به قیام علیه جمهوری اسلامی

بسیار مضحک به نظر می رسد! البته یکی از عادت های مرسوم هر ساله ی وب سایت های پر و پاگندای رجوی ها هم این است که از تصاویر آتش بازی و فشفشه بازی و بوته های آتشی که مردم از روی آن می پرند نهایت سوء استفاده را برده و از جشنواره ای باستانی به " قیام " نام می برند. وقتی که رجوی هر نوروز قول می دهد که امسال سال سرنگونی جمهوری اسلامی است زیرا " جایگزینی دموکراتیک و جنبشی سازمان یافته " وجود دارد که آن را سرنگون کند گویی قرارداد سالانه ی رجوی هر سال در پیام نوروزی تمدید می شود. همچنین، امسال رجوی ادعا کرد که سال گذشته برای فرقه اش " دستاورد " به همراه داشته است! شاید این سؤال برای شما هم پیش بیاید که منظور وی از دستاورد چیست؟ بسته شدن کمپ اشرف ، خانه ی اجاره ای ۲۶ ساله ی مجاهدین در عراق را دستاورد می نامد یا کشته شدن ۵۲ تن از افراد رده بالای فرقه را ؟ فروپاشی هژمونی فرقه پس از اعزام افراد به آلبانی و آلمان و ایتالیا را دستاورد می نامد یا جداسدن دسته جمعی ۷۶ نفر از افراد اعزامی به آلبانی؟ اقدام این تازه جدا شده ها در فضاهای مجازی و رسانه ای برای افشای ماهیت درونی فرقه را دستاورد می نامد یا ترس مسعود رجوی از خروج از عراق که به افراد دستور خودسوزی دست جمعی در صورت اجبار برای خروج از لیبرتی را داده است؟

آخرین افشاگری ها درباره ی ماهیت واقعی فرقه ی مجاهدین خلق در نامه های سرگشاده ی



افراد جدا شده به مقامات سیاسی و حقوق بشری بین المللی به وضوح روشن است . مهدی نیکبخت یکی از بازمانده های فرقه ی رجوی است که در نامه ای از تجربه ی شخصی اش از روابط فرقه ای ” در سازمان مجاهدین خلق ، به گزارشگر ویژه ی حقوق بشر و ضد تروریسم سازمان ملل آقای بن امرسون می نویسد.

نیکبخت هم مانند چند تن دیگر از هم قطارانش چون محمد رزاقی ، نسرین ابراهیمی و ... از ذات خشونت طلب و رفتار فرقه گرایانه ی مجاهدین می نویسد. علیرغم این که این گروه سخت تلاش می کند که در غرب چهره ای دموکراتیک و آزادی خواه و طرفدار حقوق بشر و حقوق زنان از خود به نمایش بگذارد. در ذیل بخش هایی از نامه ی وی آمده است :

”در سازمان مجاهدین هیچ فردی حق داشتن همسر و تشکیل خانواده را ندارد و حتی فکر کردن به آن هم جرم محسوب شده و هر شخص باید در نشست هایی تمام این تفکرات را برای انتقاد از خود جلوی باقی افراد به صورت شفاهی بخواند.

”در سازمان مجاهدین هیچ شخصی به وسائل ارتباط جمعی از جمله اینترنت ، روزنامه ، رادیو و تلویزیون دسترسی نداشته و فقط می تواند برنامه های کنترل شده و ساخته شده خود سازمان را ببیند.

”در سازمان مجاهدین افراد حق برقراری تماس از هیچ نوعی با خانواده های خود را ندارند ، حتی با پدر و مادرهای که با مشقات زیاد از ایران به دیدن آنها در عراق رفتند را اجازه ملاقات نمی دهند ، بعضی از این افراد سالهای طولانی مدت و بالای ۲۵ سال است که خانواده خود را ندیده اند.

”سازمان مجاهدین با کار اجباری و نشستهای تفتیش عقاید اجازه فکر کردن به افرادش را نمی دهد و هر روز آنها را در یک دایره بسته فکری و روحی به زور کنترل می کند و خود به جای آنها تصمیم می گیرد ترک کردن سازمان ممنوع می باشد و کسی نمی تواند آزادانه ماندنش با سازمان را انتخاب کند ، ماندن در سازمان اجباری است و صدها موارد دیگر.”

اما رویای فانتزی رجوی برای تغییر رژیم در ایران هرگز به واقعیت نخواهد پیوست چرا که وی هرگز قادر نخواهد بود صدای انتقادات و افشاگری های اعضای سابق و بازمانده های فرقه اش را خاموش کند، همان طور که هرگز نمی تواند فریاد تنفر ملت ایران از مجاهدین را ساکت کند .

او می تواند هر سال پس از سال دیگر ، در پیام نوروزی اش از ” سرنگونی ” بگوید تا خشم درون خود را فروبنداند اما خارج از حصارهای فرقه اش هیچ کس فریب توهمات و تخیلات فانتزی وی را نخواهد خورد.



**تابلو سین = سرنگونی مریم قجر می ماند**  
**مثل صد آینه بدست و کچل زلفش شانه**  
**می کرد**

**محمد رزاقی، ۱۴ فروردین ۱۳۹۳**

با شروع سال ۹۳ مریم قجر رئیس جمهور باسمة ای و حسرت به دل بار دیگر تابلو سین = سرنگونی با خنده های زورکی بدست گرفت تا شکستهای سال ۹۲ را به خودش و جیره خواران ریز و درشت لاپوشانی کند .

برای همه کسانی که درسالهای پیشین در اردوگاههای فرقه رجوی بودند این ادا اطوارهای مریم قجر و رجوی رذل زنباره موضوع عادی ؛ تکراری و همه ما با شگردهای این زوج شاید آشنا هستیم . رجوی رذل زنباره که بیش از ۱۰ سال از ترس جدا شده ها در سوراخ موش خزیده و خودش را نشان نمی دهد و می داند با بیرون آوردن سر از سوراخ موش مستقیم باید در یک دادگاه عادلانه جوابگوی وطن فروشی ؛ جاسوسی ، جنایتها و خیانتها و تجاوزاتش به زنان نگون بخت و .. باشد به همین خاطر از ترس محاکمه به زندگی خفیف و خائنه در خفا ادامه می دهد .

**اما تابلو سین = سرنگونی مریم قجر**

این ادا اطوارهای تکراری ؛ ثابت و مشمئز کننده زوج شید بنام رجوی رذل زنباره و مریم قجر رئیس جمهور باسمة ای و حسرت به دل می باشد که هر ساله در چند نوبت در اردوگاههای اهدائی صدام به رجوی رذل زنباره روی سن تکرار می کردند و حال به خزیدن رجوی در سوراخ موش و ادامه زندگی خفیف و خائنه در یک کنجی مریم قجر مجبور به همان سناریوهای گذشته را تنهایی اجرا کند البته نه در عراق و نه روی سن اردوگاههای اهدائی صدام ملعون بلکه در کنار رود

اورسوراوز در مقر ویلائی در کمال راحتی و ناز ؛ نعمت و نه در کنار اعضای اسیر بلکه در کنار شهرداران و جیره خواران از جان عزیزتر و از ما بهتران .

سالهای پیش در زمان ارباب رجوی (صدام ملعون) مسعود رجوی و مریم قجر با بستن کلت اهدائی صدام ملعون در روزهای عاشورا روی سن برای بازی با احساسات اعضا از این ادا ها در می آوردند یعنی روز عاشورا رجوی رذل زنباره یک پرچم سرخ که روی آن هیئات من الذله نوشته شده بود را بدست مریم قجر می داد تا وانمود کنند و به نیروها اینطور القا کنند که حال پرچم سرخ حسینی در دستان مریم و ادامه دهنده راه امام حسین هم مریم قجر و اگر روزی جنگی آغاز شود رجوی و مریم قجر پیشاپیش همه بعنوان پرچمدار حرکت به سوی سرنگونی رژیم ایران را شروع خواهند کرد بقیه اعضا فرقه هم پشت سر آنها راه خواهد افتاد این آن چیزی بود که شخص رجوی رذل همیشه در کلام برای فریب دادن اعضا فرقه به زبان می آورد ولی دیدیم قبل از اینکه در عراق ترقه ای بترک رجوی به سوراخی خزید و مریم قجر هم به همراه سوگلی های تشکیلات فرقه رجوی به پاریس فرار کرد و تا یکسال بعد هیچ کس از اعضا فرقه از فرار مریم قجر به پاریس خبر نداشتند تا اینکه با دستگیری مریم قجر به همراه بیش از ۱۶۰ نفر از سران فرقه رجوی و پلیس فرانسه بیش از ۱۰ میلیون دلار پول نقد از اتاق خواب مریم قجر پیدا و ضبط کرد .

آن روز معلوم شد رجوی چه رکبی به اعضا خودش زده درست آن هم زمانیکه همه اعضا در کوهها و بیابانهای عراق تشنه و گرسنه بدون هیچ امکاناتی در زیر شدیدترین بمباران تاریخ بودند و هر لحظه با مرگ چنگ در چنگ بودند اما خانم مریم قجر رئیس جمهور باسمة ای حسرت به دل در کنار رود



اور سوراواز با شهردارها گل می گفت و گل می شنید !

### اما باز تابلو سین = سرنگونی مریم قجر

در آن زمان با پایان هر سال و فرا رسیدن سال نو رجوی رذل زنباره به همراه مریم قجر و دیگر سران فرقه مافیای با سناریوهای از پیش تعیین شده برای امید دادن و حفظ اعضاء نگون بخت رجوی این مردک کوتله شاید به جای گفتن واقعیتها؛ به جای گفتن آنچه بطور واقعی در صحنه دیده می شود شروع می کرد به جمع بندی اتفاقات سال گذشته و از آنجا که رجوی حراف خوبی بود البته بنده به شخصه فکر می کنم حتماً رجوی چیزی استعمال می کرد که می توانست با خوردن ۲۰ تا چائی پر رنگ آنهم با خرما و کشیدن سیگار پشت سر هم بدون اینکه یکبار هم برای دفع آن همه چایی روی سن را ترک کند ۲۴ ساعت فک می زد و آن را بعنوان تحلیل به خورد ما بی خبران از دنیای بیرون می داد و آخر سر هم باز مثل همین تابلو مریم قجر؛ رجوی تابلو رسم می کرد که امسال سال سین = سرنگونی آنهم با انقلاب مریم !

رجوی رذل این مردک کوتله شاید ۳۰ سال با بالا انداختن چند نخود تریاک ناب افغانی وقتی روی سن می رفت انقدر روده درازی می کرد که اکثر اعضا از حرافیها و شیادیهای خسته می شدند و می آمدند در حیاط قدم می زدند و خیلی از دوستان به دور از چشم سران فرقه به هنگام ایستادن در نوبت غذا و ... فوراً به همدیگر می گفتیم که این مردک کوتله می خواهد باز برای نگه داشتن اعضاء وقت بگیرد این همه دارد روده درازی می کند و ته خط هم همین می شد و سال دیگر همان سناریو و بازیگری رجوی رذل و مریم قجر تکرار می شد البته با یک دکور دیگر .

اما این تابلو امسال سین = سرنگونی مریم قجر من یاد آن همه اصرار مریم قجر در شوهایی که خودش به پا می کرد و در مصاحبه با تلویزیون فرانسه به تاکید می گفت : سال ۹۲ سال سرنگونی و برای خوشایند مریم قجر بیشتر از همه شوهر سابقش مهدی ابریشمچی در تلویزیون سیمای اسارت فرقه رجوی کف بر دهان تند ؛ تند حرف همسر سابق خودش را تکرار می کرد البته من فکر می کنم بودن مریم قجر و مهدی ابریشمچی در همه زمان و همه مسافرتها و در یک مقر بر اساس خبرهای رسیده از درون فرقه رجوی مریم قجر بر خلاف روابط و ضوابط درون تشکیلات فرقه فقط با یک نفر نشست تنهایی برگزار می کند آنهم مهدی ابریشمچی هست البته این بدون حکمت نیست . عاقلان دانند الله اعلم.

اما تابلو سین = سرنگونی مریم قجر می ماند مثل کچلی که ازدواج کرده بود برای اینکه گاف کچلی بپوشانند و به دل نگیرد برایش ۱۰۰ ینگه اینه بدست دورش چیدند کچل باز به هر آینه نگاه می کرد موهاش شانه می کرد !

حالا تابلو سین = سرنگونی رجوی رذل زنباره با مریم قجر می ماند همچون عروسی ان کچل که هر سال تابلو سین = سرنگونی برای اعضاء نگون بخت می کشند حالا تو این تابلو که سرنگونی که هیچ یک تظاهرات سازماندهی شده ۷۵ نفره از بین ۷۵ ملیون ایرانی از طرف فرقه رجوی هم نمی توان دید اما سران فرقه اعضاء نگون بخت مجبور می کنند صوت ؛ کف بزنند و بگویند سال دیگه سرنگونی ، چون مریم قجرگفته اما در عالم واقع هیچی تو آن تابلو نیست و فقط برای سرگرم کردن اعضاء نگون بخت است و بس ...



## حماقتی که هر ساله تکرار می‌شود/ دخیل مجاهدین به «چهارشنبه سوری»

پایگاه اطلاع رسانی مجاهدین ، چهارشنبه  
۲۸ اسفند ۱۳۹۲

واقعیت اساسی که در پشت پرده اتخاذ این راهبرد از سوی مجاهدین نهفته این است که این فرقه شیطانی از کوچکترین و جاهت ، مقبولیت و مشروعیتی در بین ملت ایران برخوردار نیست و چون فاقد سرمایه اجتماعی برای بسیج توده مردم و کشاندن آنها به صحنه است ، لذا با گل آلود کردن مناسبت های این چینی سعی می کنند ماهی خود را صید کنند به گزارش پایگاه ۵۹۸ به نقل از پایگاه خبری مجاهدین ، اگر همه بیانیه ها و فراخوان های گروهک تروریستی مجاهدین از اول انقلاب جمع شود یک مثنوی هفتاد من کاغذ می شود. سرکردگان این فرقه شیطانی در این ۳۶ سال گذشته از هر موقعیتی استفاده کرده اند که شاید بتوانند مردم را به صحنه کشانده و علیه نظام اسلامی بسیج کنند ، اما هر سال نیز با بی اعتنائی کامل ملت ایران مواجه می شوند.

اما علت چیست ؟ چرا مجاهدین سعی می کنند از هر مناسبت اجتماعی و ملی و مذهبی برای کشاندن مردم به خیابان ها استفاده کنند ؟ در این میان و برای پیشبرد این هدف مجاهدین حتی به چهار شنبه سوری نیز رحم نمی کنند ؛ چنان که در یکی دو هفته گذشته نیز شاهد آن بوده ایم. با بسیج تمامی امکانات و جعل دهها خبر و گزارش صد درصد دروغ و پخش آن در شبکه های اجتماعی و سایت های خبری وابسته به خود سعی دارند چهارشنبه سوری را به اوردهاگی برای مقابله با نظام تبدیل کنند.

واقعیت اساسی که در پشت پرده اتخاذ این راهبرد از سوی مجاهدین نهفته این است که این فرقه شیطانی از کوچکترین و جاهت ، مقبولیت و

مشروعیتی در بین ملت ایران برخوردار نیست و چون فاقد سرمایه اجتماعی برای بسیج توده مردم و کشاندن آنها به صحنه است، لذا با گل آلود کردن مناسبت های این چینی (که متأسفانه از آن شادی و سرور سالم و حلال با کم توجهی برخی از مردم عزیز کشورمان فاصله گرفته) سعی می کنند ماهی خود را صید کنند. به عبارت دیگر مجاهدین به خوبی بر این حقیقت واقف هستند که از هیچ جایگاه و اعتباری نزد ملت ایران برخوردار نیستند و نمی توانند در ذهن و روان ملت ایران تأثیری بگذارند و از سوی دیگر نیز به خوبی می دانند که برگزاری مراسم های ملی و آئینی و باستانی هیچ نقطه تلاقی با مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ندارند!

لذا سعی می کنند با هیجانی کردن فضا و ایجاد آشوب و بلوا اولاً فقدان وجاهت خود را در نزد ملت ایران جبران کنند و مدعی می شوند مردم به فراخوان امثال مریم قجر به خیابان آمده‌اند و از سوی دیگر به دنبال این هستند که اسلامیت را مقابل ایرانیت قرار دهند و نشان دهند که جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام با ماهیت و هویت اسلامی مخالف آئین های ملی و باستانی و کلاً مخالف شادی و سرور مردم است.

چنان که گفته شد تمامی راهبرد های مجاهدین در این زمینه تا کنون به دلیل فقدان آن شاکله اساسی وجاهت به شکست انجامیده است ولی کو شرف و حیثیتی که به این شکست اعتراف کند! مجاهدین مثل دیوانه ای که خود شایعه را می سازند و خود نیز آن را باور می کنند روز بعد از چهار شنبه سوری قطعاً با پخش دهها خبر و گزارش باز هم به دروغ مدعی خواهند شد که ملت در پاسخ به فراخوان مریم قجر به خیابان ها ریختند.



## حضور شماری از خانواده های چشم انتظار گیلک در دفتر انجمن نجات

انجمن نجات گیلان ، ۲۶ اسفند ۱۳۹۲

مطابق گزارش دریافتی از دفتر انجمن نجات گیلان صبح امروز دوشنبه مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ شمار قابل توجهی از خانواده های اعضای گرفتار در فرقه رجوی با دردست داشتن نامه هایی حاکی از درخواست تسهیلات و فراهم نمودن امکان ملاقات و دیدار حضوری با عزیزانشان در کمپ لیبرتی و استمداد از سازمان ملل و کمیساریای عالی پناهندگان و سایر وجدانهای آگاه بشری در خصوص کمک و همیاری در راستای رهایی اعضای گرفتار در فرقه رجوی و بازگشتشان به دنیای آزاد و کانون گرم و پرمهر خانواده در دفتر انجمن نجات گیلان اجتماع کردند. درمیانه جمعیت انبوه یکی از پدران سالخورده با نشان دادن نامه خود که نوشته بود " تحویل اسرا به ایران حق مسلم ماست " با صدای رسا توضیح داد که " دیشب ما خودمان در شبکه خبریک خبر بسیار خوشحال کننده ای را شنیدیم و خبر این بود که آقای پورمحمدی وزیردادگستری ایران از دولت عراق قاطعانه خواستار آن شد که اعضای گرفتار در فرقه رجوی در عراق را تحویل ایران و خانواده های آنان بدهند " مادری که با مشقات زیاد از صومعه سرا خود را به دفتر انجمن نجات رسانده بود با چشمانی اشکبار گفت " چقدر با شنیدن این خبر خوشحال شدم و توی پوست خودم نمی گنجم. الان در شرف تحویل سال نو هستیم . خدایا می شود که خودت عیدی مان را به ما بدهی و چه عیدی بالاتر از این که بتوانم بعد از ۲۷ سال دختر نازنیم را در آغوش بفشارم " خانمی که دخترش را به همراه آورده بود در ادامه فریاد زد " دخترم دوساله بود که پدرش به اسارت رجوی خائن درآمد و الان با تحویل سال نو ۲۶ بهار از عمرش می گذرد و دائم سراغ پدرش را از من

می گیرد و خودتان به من راهنمایی کنید که من به یگانه فرزند و دخترم چه بگویم . " در پس غم و اندوه جانکاه که تمام وجود خانواده های دردمند معترض را پوشانده بود؛ می شد نورامید و زندگانی را در چهره های یکایک این عزیزان به عینه مشاهده کرد و گویی فقط درانتظار این بودند که مسئول انجمن متعاقب موضعگیری وزیر دادگستری ایران مبنی بر استرداد تمام اعضای گرفتار در فرقه رجوی که در حال حاضر در کمپ لیبرتی با کارشکنی رجوی به بن بست رسیده اند و روند اعزام شان به کشور ثالث بصورت قطره چکان صورت می گیرد ؛ چه حرفی برای گفتن دارد و در همین نقطه حساس بود که دیگر خانواده چشم انتظار گیلک در خطاب به مسئول انجمن گفت : " آقای احمدی. ما می دانیم که شما و سایر جدادگان از فرقه رجوی در این انجمن برای نجات عزیزانمان بسیار تلاش نمودید و کماکان تلاش می کنید و از این بابت هم از شما وهم از دولت جمهوری اسلامی ایران نهایت تقدیر وتشکر را داریم ولیکن خواهش داریم که صدای درگلو خفته ما را هر چه رساتر به گوش دولتین ایران و عراق خانم جین هول لوت نماینده سازمان ملل در خصوص انتقال اسرا به کشورهای ثالث و سایر مجامع حقوق بشری برسانید و آن اینکه ما خانواده های چشم انتظار در استان گیلان و طبعاً سایر استانها دیگر طاقتمان تمام شده . تا کی باید شاهد مماشات کشورها حتی نمایندگان سازمان ملل با فرقه رجوی باشیم . تا کی باید شاهد قربانی شدن شماری دیگر از آنان در کمپ لیبرتی باشیم که مسبب اصلی آن شخص رجوی خائن است. تا کی باید شاهد باشیم که مریم رجوی در مجامع ورشکستگان سیاسی ولایبهای اسرایلی شیک و پیک حاضرشود و با نشخوار لاطالعاتی مدعی شود که تنها جایگزین ایران و رئیس جمهور آتی مملکتمان هست که کسی از ایرانیان برایش تره هم خرد نمی کند هیچ ؛ بلکه حاضر نیستند جنازه اش هم به خاک ایران مسترد شود. ما شکی



نداریم آنان به اتفاق رجوی به دنبال منافع و مطامع شیطانی خود هستند و در یک کلمه اصلاً دوست دارند عزیزانمان در کشور نا امن عراق باقی بمانند و قربانی شوند و یا اینکه در پی سرابی هستند که در روز مبادا از این فرقه تبه‌کار و تروریستی در منطقه بهره‌های خاص خودشان را ببرند و سوء استفاده ابزاری از این عزیزانمان علیه ایران داشته باشند. در حالیکه عزیزانمان خود قربانی اول و آخر دستگاه شیطانی رجوی هستند و در این معادله و معامله ننگین مطلقاً نقشی ندارند و صرفاً نقش هیزم در آتش برافروخته رجوی و همپالگه‌هایش را دارند. قبل از اینکه دیگر خانواده‌ای لب به سخن و اعتراض بگشاید و از دردهای بیکران خود از ظلم و جور رجوی بگوید مسئول انجمن ضمن همدردی با خانواده‌های چشم انتظار که صبح زود در هوای سرد زمستانی در دفتر انجمن اجتماع کردند افزود "با تمام وجودم شما را درک می‌کنم و دردتان را عمیقاً حس می‌کنم. بعنوان فرزند کوچکتان دستبوس شما هستم که به من و سایر دوستان جدا شده محبت دارید. پیشاپیش هم سال نو و تحول طبیعت را به یکایک شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و عمیقاً آرزومندم بزرگترین حاجت شما که همانا پایان چشم‌انتظاری و درآغوش کشیدن عزیزانتان هست در شب عید برآورده شود و خلاصه اینکه ایام به کامتان باشد. این هم بر روی چشم. من در اولین فرصت خواسته به حق شما را در سایت نجات اطلاع رسانی می‌کنم و همچنین به اطلاع دولتین ایران و عراق خواهم رساند که مقدمات سفر شما را به عراق و اجتماع در مقابل کمپ لیبرتی و ملاقات با عزیزانتان میسر شود ولیکن بدانید که این اقدام احتمالی خیلی پرهزینه است و شخصاً نگران تبعات آن هستم چرا که واقفید که کشور عراق نا امن است و می‌تواند خطراتی متوجه شما مسافران باشد ضمن اینکه اعزام شما به عراق یک معادله چند مجهولی است و باید با هماهنگی‌های خاص با طرفین مختلف از جمله دولت ایران و عراق و

سازمان ملل و خانم جین هول لوت و حل و فصل دهها مورد امنیتی دیگر صورت گیرد. مضاف بر اینکه دستگاه دروغ پرداز رجوی اجازه انجام گرفتن ملاقات شما و فرزندانتان را نمی‌دهد که البته یکایک شما در این امر مشخص با تجربه هستید و به کرات به عراق سفر نمودید و در مقابل اسارتگاه اشرف تحصن نمودید و خواسته‌های به حق تان را از طریق میکروفون بلند فریاد زدید و خودتان بفرمایید آیا موفق به دیدار با فرزندان و عزیزانتان شدید؟ قدرمسلم جواب خیراست و نه تنها به خواسته تان نرسیدید و با کارشکنی رجوی مواجه بودید در عوض از جانب گماشتگان رجوی در پشت سیاح چوب و چماق و سنگ و قلوه سنگ هم دریافت نمودید. هیچوقت یادم نمی‌رود که آقای جعفر حسن زاده و سید طاهر محمدزاده که برادرانشان از اسیران جنگی و ربوده شده رجوی هستند با سرشکسته و خونین که حاصل پذیرایی رجوی از این بزرگواران بود به میهن بازگشتند و من از این بابت خیلی شرمند شدم. با این حال به شما عرض می‌کنم نگران نباشید و به خدا توکل کنید که حق گرفتنی است و ظلم و ظالم به یمن و گواه تاریخ و مشخصاً برآمده از اعتقادات مذهبی مان هیچ گاه دائم و پا برجا نخواهد بود و روزی که زیاد هم دور نیست شاهد اضمحلال نهایی فرقه رجوی خصوصاً برچیدن بساط شان در عراق خواهیم بود و تحقق عیدانه بزرگ شما و اسرای گرفتار در فرقه رجوی یعنی رهای و آزادی از قید و بند تشکیلات یک فرقه تبه‌کار و تروریستی. حالا ببینیم وزیر دادگستری ایران که خنجرش را روی شاه‌رگ رجوی گذاشته چقدر برش و کارایی دارد و می‌تواند حداقل اسرای جنگی را که روزی برای دفاع از آب و خاک و وطن خود در مقابل متجاوزین صدام صف آرایی کرده بود و به اسارت رجوی درآمدند؛ تحویل گرفته و به وطن و آغوش گرم و پرمهر خانواده هایشان بازگرداند. انشاء الله که چنان شود که دل شما می‌خواهد.

"جواد کاظم الخالسی" در گفتگو با سایت اشرف نیوز همچنین اظهار داشت:

«برخی از این سیاستمداران نه در دوره رژیم صدام حسین و نه در عراق پس از سال ۲۰۰۳ از این سازمان متضرر نشدند؛ لذا این افراد خود را از ورود به یک مقابله سیاسی به ویژه در این چنین مساله ای، دور نگاه می دارند.

"الخالسی" در ادامه افزود:

«برخی طرف ها و کشورهای عربی از بقای افراد این سازمان در عراق سود می برند و از آن برای پیشبرد اهداف استراتژیک خبیث خود استفاده می کنند.

این کشورها همچنین از این سازمان به عنوان اهرم فشاری در سایر پرونده هایی که مربوط به عراق، سوریه، لبنان و به طور کل منطقه است، علیه دولت عراق استفاده می کنند.

"الخالسی" حذف نام سازمان خلق از لیست سازمان های تروریستی را تلاش برای پاک کردن ساحت سازمان خلق از اقدامات تروریستی و همچنین اقدامی در جهت تشویق دیگر کشورهای جهان برای ایجاد ارتباط با این سازمان و حمایت از آن برشمرد.



## جواد کاظم الخالسی: نگرانی هایی مبنی بر استفاده از سازمان خلق علیه عراقی ها، وجود دارد

### سایت خبری متعدد نت

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۲

"جواد کاظم الخالسی" نویسنده و تحلیلگر سیاسی طی اظهاراتی تصریح کرد: «رژیم بعث از عناصر سازمان تروریستی خلق علیه ملت عراق به زشت ترین شیوه ممکن استفاده اطلاعاتی نمود.»

وی ضمن انتقاد از کسانی که از این سازمان به خاطر حفظ جایگاه سیاسی خود حمایت می کنند، بهره برداری کشورهای خلیج [فارس] از سازمان های تروریستی موجود در عراق، در جهت تامین منافع خود را محتمل دانست.

وی طی اظهاراتی با سایت اشرف نیوز عنوان کرد: «بحران کنونی و درگیری هایی که اکنون با گروه موسوم به داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در استان الانبار روی می دهد، مساله ای است که نحوه تعامل این کشورها با سازمان های تروریستی را به خوبی نشان می دهد.

این دخالت ها و رویکردهای خطرناک در امور عراق یکی از ابزار غیر طبیعی فشار علیه دولت و ملت عراق به حساب می آید.

عراقی که از مشکل تروریسم رنج می برد و این مساله منجر به این می شود که عراق را از اجرای تفاهم نامه ها و توافقنامه های امنیتی مربوط به اخراج این سازمان از عراق بازدارد و دولت مشغول مسائل دیگری بشود.



## اخبار و ناگفته های کمپ پناهندگان در آلبانی

نیم نگاه ، ۱۹ فروردین ۹۳

سران فرقه مجاهدین سعی دارند با اتخاذ شیوه ها و ترفند های متعدد مانع ریزش و جدایی افراد انتقالی از کمپ لیبرتی به کمپ پناهندگان در آلبانی بشوند. خبرها حاکی از آشفتگی حال سران فرقه ستیزه جوی مجاهدین دارد. مریم رجوی به افراد رده بالا و مسئولین تشکیلات رهنمود داده است که برای جذب جدا شده ها در آلبانی آزاد هستند بر خلاف موازین و اصول لایتنیر تشکیلات و دستگاه اعتقادی مجاهدین ترتیب مراسم و جشن را بدهند تا بدین طریق افرادی که از تشکیلات جدا شده اند را دوباره جذب کنند و بیش از این اجازه ندهند ریزش مستمر و مداوم افراد در کمپ پناهندگان آلبانی ادامه یابد. همانگونه که در اخبار روز گذشته ذکر شده است جواد خراسان و فرزانه میدانشاهی در روز تحویل سال ، دو مهمانی در کمپ برای اعضا و افرادی که وابستگی و اطاعت تشکیلاتی دارند ترتیب دادند. سپس در دوم فروردین ماه سال ۱۳۹۳ مهمانی دیگری را ترتیب دادند و جدا شده های کمپ پناهندگان آلبانی را دعوت کرده و آنان را تشویق می کردند که در این مهمانی شرکت کنند. ولی از تعداد ۷۰ نفری که از فرقه مجاهدین جدا شده و سعی دارند انسانی آزاد و مستقل باشند و برای آینده خود به دور از هر گونه وابستگی تشکیلاتی تصمیم بگیرند فقط ۸ نفر به مهمانی رفتند. که ۳ نفر از آنها را به مهمانی راه ندادند. متأسفانه سران فرقه رجوی از افراد تشکیلاتی استفاده ابزاری می کنند افرادی همچون میرزا آقا (۹۰ ساله) و بابا احمد نیک طالان (که به او پدر نیز می گویند) و اصغر نامی که درد کمرشدید دارد و هر سه نفر از نظر جسمی از کار افتاده و مشکلات جسمی و روحی دارند تا وقتی که مصرف تشکیلاتی داشتند از آنان همچون

بردگان بیگاری می کشیدند و بعد که پیر و از کار افتاده شده اند به حاشیه رانده شده اند. مسئولین مجاهدین به این افراد گفته اند باید وضعیت شان را کمیساریا حل کند!! در واقع سران مجاهدین ابتدا تصریح کرده اند اینها بیمار هستند و مشکلاتشان زیاد است و ما قادر نیستیم مسئولیت شان را برعهده بگیریم و باید زیر نظر کمیساریا باشند که اگر بر اثر بیماری و کهولت سن فوت کردند رجوی ادعا کند اینها تحویل کمیساریای عالی امور پناهندگان بودند. ضمناً این سه نفر به دلیل کهولت سن و بیماری نمی توانستند در نشست های جمعی شرکت کنند به این جهت سران فرقه معتقد بودند برای اینکه چنین شکاف هایی را ببندند باید آنها را از تشکیلات و جمع نفرات جدا کنند. لذا این سه تن را از جمع نفرات تشکیلاتی جدا کردند ولی هزینه خرج و خوراک آنها را می دهند و همچنان تحت نظارت و کنترل همه جانبه تشکیلات مخوف رجوی هستند. مهمانی و مراسم جشن در مقر اصلی فرقه رجوی که بین افراد به مقر ۴۹ معروف شده است برپا شد. به شرکت کنندگان غذای ماهی دادند که به دلیل بی مزه بودن غذا ، افراد تشکیلاتی ناراضی بودند و از برنامه های غیر جذابی هم که در مهمانی اجرا شد اغلب ناراحت و دلخور بودند و احساس می کردند که وقتشان تلف می شود. مسئولین فرقه رجوی در این مراسم سعی وافر داشتند تا از مقر جدا شده ها افراد بیشتری را جذب کنند ولی وضعیت و شرایط حاکم بر مراسم تاثیر منفی بر افراد شرکت کننده گذاشت. به طوری که نفرات و افرادی که هنوز در اسارت تشکیلات رجوی هستند را نیز عصبانی کرد و بیشتر نفرات مراسم را ترک کردند. ضمناً در این مراسم برنامه رقص محلی ترتیب داده شده بود که کسی از نفرات حاضر نشد در آن شرکت کند. بیشتر نفرات و افراد حاضر در کمپ آلبانی بدلیل تنگناهای تشکیلاتی و کنترل نیرو به شکلی وسیع و گسترده در حالت افسردگی بسر می برند. آنها در طی روزها و هفته ها می بینند که افراد جدا شده از



دو مقر دیگر نیز وجود دارد که وسعت آنها کوچک است و مختص زن های تشکیلاتی است و تقریباً دو کیلومتر با مقر اصلی فاصله دارد که بین مقر اصلی و مقر جدا شده ها قرار دارد.

### مناسبات مسئولین فرقه رجوی با کمیساریا :

اساساً مخفی کار می کنند.

چند نفر از مسئولین فرقه که در کمپ هستند مثل فرزانه میدانشاهی و افشین ابراهیمی و ... با کمیساریا ارتباط دارند.

هر چند وقت یک بار نیز از فرانسه دو نفر از مسئولین فرقه مخوف رجوی برای توجیه افراد و اعضای تشکیلات به کمپ تردد می کنند.

ضمناً در مهمانی کمیساریا که چند روز پیش صرفاً برای جدا شده های فرقه رجوی و کارمندانش ترتیب داده شده بود، جواد خراسان عنصر کلیدی فرقه مجاهدین در کمپ آلبانی چند نفر جاسوس به این مهمانی فرستاد تا مخفیانه گزارش، عکس و فیلم تهیه کنند. چون در مهمانی کمیساریا مراسم رقص و پای کوبی نیز اجرا شد وقتی افراد تشکیلاتی دربند فرقه رجوی از این موضوع مطلع می شوند افسوس خوردند که چرا آنها بر خلاف جدا شده ها آزاد و رها نیستند و همچنان تحت سیطره انضباط آهنین تشکیلاتی قرار دارند. همچنین طبق اطلاعات بدست آمده جاسوسان و خبرنگاران مسئولین فرقه رجوی هر روز به بهانه احوالپرسی به پیش جدا شده ها رفته و روزانه گزارش مکتوب و شفاهی خود را در باره جدا شدگان به مسئولین فرقه در کمپ تحویل می دهند.

فرقه رجوی کاملاً آزاد و رها هستند ورزش و تفریح می کنند و مثل آنان تحت کنترل تشکیلاتی مسئولین فرقه مجاهدین نیستند تا برای آنها همچون اسارتگاه اشرف و کمپ لیبرتی برنامه ریزی روزانه کنند و آزادی و انتخاب را از آنان سلب نمایند. وضعیت مقرهای فرقه رجوی در کمپ پناهندگان آلبانی :

### ویژگی های مقر :

۱- مقر اصلی (این مقر در اتوبان Rruga sokrat miho قرار دارد که تماماً شیشه ای می باشد)

۲- مسئولین تشکیلات رجوی در این مقر یک سالن غذاخوری درست کرده اند.

۳- یک در برای ورود و خروج دارد.

۴- جلوی در بیرون، یک ایستگاه پلیس آلبانی قرار دارد که ورود و خروج را کنترل می کند.

۵- در تمام ساختمان دوربین مدار بسته کار گذاشته شده است که افراد توسط نفرات جواد خراسان از مسئولین رده بالا و از عوامل کلیدی سرکوب فرقه رجوی کنترل می شوند.

۶- در مقر فقط مردها مجاز به استراحت هستند.

۷- این مقر محل کار و نشست های اعضا می باشد.

۸- در یکی از اضلاع این مقر یک اکیپ نگهبانی از ارتش آلبانی مستقر است و این امر حاکی از این است که مقامات دولت آلبانی به هیچ وجه به سران و اعضای فرقه مجاهدین اعتماد ندارند.

۹- مقر اصلی فرقه در بین اعضا و نفرات به اسم مقر ۴۹ شناخته می شود.

بارها با حالت مریضی و ناراحتی های جسمی فرزندش را در آنطرف حصارهای اشرف صدا می زد تا شاید صدایش به گوش فرزندش برسد اما رجوی از خدا بی خبر هرگز حاضر نشد که حتی برای یک لحظه هم که شده این مادر و فرزند همدیگر را ملاقات کنند .

این مادر رنج کشیده که اکنون به سن پیری رسیده و به سختی می تواند راه برود بارها به دفتر انجمن مراجعه نمود و خواستار پیگیری آزادی فرزندش توسط اعضای انجمن بود .

این مادر در صحبت هایش می گفت دوست دارم فرزندم به ایران برگردد. انتظار برای مادری مثل من که سالهاست فرزندش را ندیده خیلی سخت است . من نمی خواهم فرزندم در کشور عراق بماند و یا به کشورهای اروپایی برود .

لعنت بر رجوی و مریم قجر که فرزندان ما را بازیچه اعمال کثیف و ضد انسانی خودشان قرار داده اند آنها خودشان در ناز و نعمت زندگی می کنند و بهترین وضع زندگی در اروپا را دارند اما فرزندان و جگر گوشه های ما را به عنوان پیشمرگ در درون خاک عراق نگه داشته اند و می خواهند که همه آنها را تا نفر آخر به کشتن دهند من نمی خواهم فرزندم بازیچه دست کثیف رجویها شود و برای رهایی فرزندم با این که توان ندارم اما حاضرم هرکاری را برای نجات فرزندم انجام دهم .

دولت عراق و سازمان ملل بایستی به ما خانواده ها اجازه دهند تا به کمپ لیبرتی برویم و فرزندانمان را نجات دهیم .



## انتظار برای مادری مثل من که سالهاست فرزندش را ندیده خیلی سخت است

انجمن نجات مرکز کرمانشاه ، پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۹۳

خانم تاج الدوله حیدریان مادر مهدی حمیدفر اسیر در فرقه مخوف رجوی که هم اکنون در کمپ لیبرتی ساکن است می باشد .

خانم حیدریان هم مثل سایر خانواده ها در ابتدای سال ۹۳ در تماس با انجمن از تلاش های دست اندرکاران و مسئولین این نهاد تشکر و قدردانی نمود و اعلام آمادگی نمود که برای آزادی فرزندش از چنگال فرقه رجوی آمادگی کامل دارد و قصد دارد به هرقیمت که شده فرزندش را نجات دهد.

خانم حیدریان که بارها برای نجات فرزندش و با تحمل سختی های فراوان راهی عراق شد و هر بار ماه ها شب و روز را در پشت درهای قلعه مخوف اشرف سپری می کرد که شاید بتواند فرزندش را نجات دهد .

این مادر رنج دیده هر بار که به سیم خاردارهای اطراف این قلعه نزدیک می شد با فحاشی و سنگ پرانی از طرف گشتاپوی رجوی از وی پذیرایی می شد .



## به ما در آزادی گروگانهای رجوی از کمپ لیبرتی کمک کنید (نامه سرگشاده به آقای بن امرسون)

غفور فتحیان ، ۱۸ فروردین ۱۳۹۳

### عالیجناب بن امرسون عزیز

باتقدیم بهترین سلام ها برای شما

من غفور فتحیان از اعضای جدا شده از فرقه رجوی هستم قبلاً یک نامه برای شما ارسال کرده ام و خودم را معرفی نموده ام. در این نامه سعی می کنم به طور مختصر گوشه ای از جنایات و نقض حقوق بشر اعضای این فرقه بیان را کنم.

در سال ۱۳۶۷ شمسی به دستور رهبر فرقه یعنی مسعود رجوی در عراق تمام زنان و مردان تحت فشار شخص او از همسرانشان جدا شده و طلاق دادند. و از آن تاریخ دیگر هیچ زن و مرد متاهلی در فرقه وجود نداشت. افرادی هم که با این کار کثیف رجوی ایستادگی کردند. از سازمان خراج شده و در عراق آواره شده و تحت پیگردی نیروهای امنیتی صدام حسین قرار گرفتند و تعدادی هم مفقودالامر شدند. در حال حاضر کلیه زنان و مردان مدت ۲۵ سال است که بصورت مجردي زندگی می کنند و از این حق قانونی منع شده اند و فرقه پا را هم از این فراتر گذاشته و فکر کردن به این موضوع را ممنوع کرده است .

### - زندانی و شکنجه کردن :

از سال ۱۳۶۱ که سازمان وارد منطقه کردستان عراق شده است تا همین الان که این نامه نوشته می شود فرقه رجوی دارای زندان و شکنجه گاه بوده است اوج این سرکوب و شکنجه در سال ۱۳۷۳ بوده است که براساس شواهد این دوران و شکنجه گاهها آمار زندانیان رقمی بین ۷۰۰ تا

۱۲۰۰ نفر بوده است و تعدادی از این شکنجه شدگان با فرار از جهنم رجوی خود را به اروپا رسانده و الان در این کشور ها ساکن هستند.

افراد ناراضی سازمان در بیش از ۱۰ زندان مخفی سازمان در اسارت بودند. و دهها نفر هم برای اینکه رجوی از شر آنها خلاص شود تحویل دستگاه سرکوب صدام حسین قرار گرفتند و سر از زندان بد نام ابوغریب در آوردند.

من خودم شخصاً تعدادی از دوستانم را که مخالف خشونت و جنگ مسلحانه رجوی بودند به جرم خیانت به رجوی از دست داده ام که این افرادی به بهانه های مختلف در نقاط مختلف عراق تصفیه فیزیکی شده اند. که شخصاً حاضرم در این رابطه شهادت بدهم.

### - کردکشی:

من خودم یک کرد ایرانی هستم و با چشمان خودم شاهد گلوله باران منطق کردی عراق با توپخانه و تانک و سایر سلاحهای سنگین توسط فرقه رجوی و با دستور شخص رجوی بوده ام.

من شاهد کشتار بی رحمانه افراد کرد و در منطقه سلیمان بگ ، طوز خرماتو ، کفری و کلار که از شهر و شهرک های مناطق کردی هستند بوده ام.

من شاهد بوده ام که تلویزیون فرقه اجساد کردها را در عملیات موسوم به مروارید نشان داده است . و به دروغ می گفت اینها پاسداران ایرانی هستند که با لباس کردی وارد خاک عراق شده اند.

من شاهد بوده ام که چندین روز با تانک بلاوقفه شهر طوز خرماتو زیر توپ باران این فرقه بوده است.

یکی از دلایل جدایی من از این فرقه همین عامل بوده است سرکوب قیام کردها در سال ۱۹۹۰ در



هم که رویشان این عمل کثیف انجام شده به دلایل شخصی هنوز لب به سخن نگشوده اند. باشد که روزی در یک دادگاه صالحه این جنایت رجوی هم در کنار سایر جنایت های او افشا شود و رجوی به جزای این اعمال بعایت ضد بشری برسد.

#### - شستشوی مغزی :

یکی دیگر از نقض جدی حقوق اعضا در این فرقه شستشوی مغزی افراد است که در هفت روز هفته بلا وقفه ادامه دارد. هر فرد باید روزانه از خودش گزارش تهیه کرده و در جمع بخواند که این گزارش از سکرته ترین تراوشات ذهنی و مغزی فرد در زمینه کار و مسئولیت، مشکلات معیشتی، تناقضات خطی و استراتژیک و سیاسی، از همه این ها مهم تر تناقضات جنسی است که در خلوت ذهن فرد گذشته است.

البته این تفتیش عقاید و شستشوی مغزی به همین ختم نمی شود به صورت هفتگی حداقل هفته ای چهار بار نشست های دیگر هم هست تحت عنوان نشست های انقلاب که این نشست ها فقط برای ایجاد رعب و وحشت است فردی که در تشکیلات مسئله دار است و یا به دلایلی مخالف روند کنونی سازمان است در یک جمع ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفره سوژه شده و افراد را مجبور می کنند که رکیک ترین توهین ها را به این شخص انجام دهند. که اینها همه در یک هیاهو، در یک جو به شدت متشنج انجام می شود که شخص مورد نظر جا بزند و مطیع سازمان شود اگر هم فرد کوتاه نیامد تمام جمع باید به صورت او تف کنند که دیگر از آن فرد چیزی باقی نمی ماند و دست آخر عین یک جسد از آن جلسه خارج می شود. در مواردی هم که فرد خیلی مقاومت کند او را تنبیه فیزیکی کرده و زندانی می کنند.

اگر این جو خفقان و سرکوب در سازمان وجود نداشت تا کنون بیش از ۹۰ درصد اعضا از این

عراق توسط ارتش خصوصی صدام حسین موسوم به ارتش آزادی بخش فرقه رجوی بوده است. در این رابطه اسناد و شواهد زنده ای وجود دارد که می توان رهبری این فرقه یعنی مسعود رجوی و مریم عضدانلو را به پای میز محاکمه کشاند.

#### - کشتار شیعیان شهرهای جنوبی عراق :

در جریان قیام انتفاضه شعبانیه در شهرهای شیعه نشین عراق که اکثریت جمعیت این کشور هستند بعد از عقب نشینی ارتش صدام حسین در اثر شکست از نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا در کویت و مردم بجان آمده از حزب بعث. دست به شورش و قیام زدن و اکثریت شهرها را به تصرف خود در آوردن در آن زمان ارتش صدام بشدت روحیه اش متزلزل شده بود و توان جنگیدن نداشت. نیروهای اطلاعاتی صدام حسین به همراه گارد ویژه صدام و با کمک گرفتن از ارتش خصوصی صدام حسین یعنی فرقه رجوی اقدام به سرکوب خونین این قیام کردند

به دستور رهبر این فرقه شخص رجوی اقدام به این سرکوب خونین کرد. که اسناد و شواهد این جنایت وجود دارد که بیانگر اثبات این واقعیت و افشاگر این جنایت هولناک توسط رجوی است.

#### - عقیم کردن زنان :

بعد از طلاق های اجباری به دستور مریم عضدانلو و البته با سفارش آقای رجوی تعدادی از زنان در زمان صدام حسین در بیمارستانهای بعقوبه و بغداد عقیم شدند. که دیگر بفکر ازدواج نباشند. هستند زنانی در همین اروپا که این جنایت را بطور دقیق و خیلی مستدل افشا کرده اند.

رجوی به این اقدام ضد انسانی اش می خواست این پیام را بدهد که هر کس بفکر ازدواج باشد دچار چنین عواقبی خواهد شد. البته خیلی از زنانی



البته تا بتواند و تا ثانیه آخر این موضوع انسانی را به ضد انسانی ترین شکل طولانی تر خواهد کرد.

نتیجه این خیره سری کشته شدن بیش از ۱۱۰ تن از اعضای طی این سالیان بعد از سرنگونی صدام حسین بوده است.

که آخرین آن کشته شدن ۵۳ نفر در تراژدی وحشتناک کمپ اشرف بوده است.

خون این بی گناهان تماماً بر گردن رهبران این فرقه است. هر خونی که بعد اولین حکم شورای حکومتی از اعضای ریخته شده است مسئول تمام عیاران مسعود و مریم رجوی هستند.

کمپ لیبرتی هم متناوباً زیر حملات موشکی و خمپاره ای توسط گروههای تندور است که از این فرقه در جریان قیام ها آسیب دیده اند و برای انتقام اقدام به شلیک به کمپ لیبرتی می کنند.

عالیجناب آنچه به صورت تیتروار برایتان نوشتم گوشه ای از انبوه جنایات فرقه رجوی و از نقض گسترده حقوق بشری توسط مریم و مسعود رجوی است.

عالیجناب از شما مصرانه درخواست دارم که کمک کنید دوستان و عزیزان که در چنگال رجوی اسیر هستند از عراق خارج شوند تا بتوانند باقیمانده عمرشان را در دنیای آزاد زندگی کنند و نفسی بکشند.

باید باطالع برسانم که در قرن بیست و یکم، تمام اسیران لیبرتی از تمام دنیای خارج قطع ارتباط هستند در آنجا نه از موبایل و نه از ماهواره و نه از اینترنت و نه از رونامه و نه حتی از رادیو خبری است البته شاید تعجب کنید.

افراد اسیر در لیبرتی هنوز تلفن موبایل را لمس نکرده اند.

فرقه جدا می شدند. زیرا متأسفانه این فرقه در جایی لانه فسادش را حفظ کرده است که کشور عراق است که افراد از ترس جانسان شکنجه ها رجوی را تحمل می کنند اما تن به مصیبتی بزرگتر نمی دهند.

در اینجاست که دست ما به سوی سازمانهای حقوق بشری و افراد خیر خواهی مثل شما دراز است که دوستان ما را از این فرقه و از جهنم عراق نجات دهید.

### – اصرار رجوی برای نگه داشتن اعضا اسیر در کمپ لیبرتی در عراق :

بعد از سرنگونی صدام حسین یک حکومت شیعی متمایل به ایران در عراق سر کار آمده است و به دلیل اشتراکات مذهبی هم طبیعی است. در همان اوایل روی کار آمدن شورای حکومتی در زمان برمر حاکم غیر نظامی آمریکا در عراق، به این سازمان التیماتوم داده شده که خاک عراق را ترک کند.

زیرا شیعیان و اکراد عراقی به دلیل هم دستی رجوی با صدام حسین در سرکوب قیام های آنها انتقام خواهند گرفت. و به آنها گفته شد زیرا آن کس که شما متحد استراتژیکش بودید و ارباب شما بود و میلیوها دلار سرمایه مردم عراق را به سازمان می داد دیگر وجود ندارد و جغرافیای سیاسی منطقه تغییر کرده است. اما رجوی خیره سر البته با حمایت ارتش آمریکا در مقابل این حکم ایستاد و شروع به دخالت در امور داخلی عراق کرد.

تمام مقامات مسئول عراقی شامل قوای سه گانه اجرایی و قضائیه و مجلس برای این سازمان التیماتوم و ضرب الاجل تعیین کردند اما رجوی باز هم خیره سری می کند و زیر بار نمی رود. البته الان دیگر کفگیر رجوی به ته دیگ خورده است و دیری نخواهد پایید که به خروج اعضا از عراق تن خواهد داد.



علتش خیلی روشن است زیرا رجوی می خواهد افراد رابطه شان با بیرون قطع باشند و ارتباطی نداشته باشند و او هم با خوراندن یک طرفه اطلاعات غلط به افراد از طریق فقط یک کانال بسته آن هم سیما این فرقه افراد را در جهل و ناآگاهی قرار می دهد.

به همین دلیل رجوی حاضر است همه افراد در عراق نفله شوند و کسی پایش به دنیای آزاد نرسد زیرا هر کدام از آنها سندی زنده بر علیه او هستند.

امیدوارم روزی به کمک انسانهای خیر خواهی مثل شما ، مریم و مسعود رجوی به پای میز محاکمه کشیده شوند و پاسخ این جنایات را بپردازند

**در پایان از شما صمیمانه سپاسگزارم و از عنایت شما کمال تشکر را دارم**

**با کمال احترام غفور فتحیان**

**انجمن یاران ایران پاریس**

## **ایتالیا تعدادی از عناصر سازمان تروریستی خلق را پذیرفت**

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۲

یک روزنامه ایتالیایی نوشت که دولت ایتالیا هفت تن از اعضای سازمان تروریستی خلق که در اردوگاه لیبرتی در نزدیکی بغداد پایتخت عراق حضور دارند را در کشور اسکان داده است. این روزنامه همچنین نوشت با این انتقال ، تعداد افرادی که تاکنون برای اسکان در ایتالیا پذیرفته شده اند ، ۱۵ نفر رسید. این روزنامه ایتالیایی در ادامه عنوان کرد : کمیته عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد هفته گذشته از تلاش های دولت ایتالیا برای حل مشکل اعضای سازمان خلق که در عراق وجود دارند، قدردانی کرد.گفتنی است کمیته عالی امور پناهندگان از همه کشورهای اروپایی خواست تا برای اسکان و پناهندگی عناصر سازمان خلق ، گام های سریع اتخاذ کرده و این کمیته را یاری دهند.

همچنین شبکه رادیویی "صدای روسیه" در گزارش دو ماه پیش خود عنوان کرده بود که "جان کری" وزیر خارجه آمریکا از همتای رومانی خود خواست تا برای اسکان و پناهندگی همه عناصر خلق در کشورش گام بردارد. گفتنی است دولت ایتالیا سال گذشته از پذیرش دو تن از عناصر سازمان تروریستی خلق در کشور خود خبر داده بود.

به شدت کتک خورده است!

واقعیت این است که محمد محدثین حتی در زمان حکومت صدام هم خیلی خودش را درگیر بحث های ایدئولوژیک سازمان نمی کرد و اکثر اوقات در زمان نشستها در حیاط محل نشست قدم می زد یا وقتش را با شوخی و صحبت با دیگر بچه هایی که مانند خودش حوصله گوش دادن به مزخرفات رجوی را نداشتند سپری می کرد.

محمد محدثین که همسر فاطمه رضانی با نام مستعار سرور بود در سال ۱۳۶۸ که طلاق اجباری شد به ناچار از همسرش که او هم از مسئولین سازمان بود جدا شد ولی همیشه تناقض جدایی و طلاق را با خود داشت!

خصوصاً همسرش که در زمان عملیات چلچراغ (مهران) فرمانده تیپ و در زمان عملیات فروغ (مرصاد) از فرمانده هان ارشد نظامی سازمان و در موضع فرمانده لشکر بود به شدت موضع تشکیلاتیش پایین آمد و هرگز به دیگر رده های بالای سازمان نرسید!

او اساساً در مقرهای کوچکتر سازمان مشغول کارهای حاشیه ای بود! واقعیت این است که فرقه رجوی به بن بست وحشتناکی رسیده است که دیگر حتی یاران غار آقای رجوی هم توان تحمل خیانتها و وطن فروشی های او را ندارند!

محمد محدثین مسئول روابط خارجی سازمان بود. یعنی کسی که از جزیی ترین روابط پنهانی این فرقه با تمام کشورهای اروپایی و امریکایی و حتی مسئولین حکومت صدام اطلاع داشت!

او یکی از شکنجه گرانی بود که در سال ۱۳۷۲ در زندانهای مجاهدین بشدت بچه ها را شکنجه می کردند و حتی دستش به خون آن بچه ها آغشته است!



**بیش از ۹۵ درصد از اعضای فرقه رجوی به زور مانده اند!**

**انجمن نجات مرکز فارس ، یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۳**

خیلی پیشتر گفته بودیم که بیش از ۹۵ درصد از کسانی که در سازمان مجاهدین هستند از بودن در این سازمان پشیمان و از شدت تناقضات مانند انباری از حرف و مشکل هستند!

و تاکید هم کرده بودیم که حتی در رده های بالای سازمان چه از میان زنان و چه از میان مردان بسیار هستند که دیگر حرفها و خط و خطوط رجوی را قبول ندارند و مستمراً در حال ابراز مخالفت با اراجیفی هستند که از سوی رجوی گفته می شود!

اکنون مدتها است که محمد سید المحدثین با نام مستعار بهنام که تا قبل از سرنگونی حکومت صدام نفر سوم سازمان محسوب می شد بدلیل مخالفتهايش با مواضع سازمان تحت برخورد شدید تشکیلاتی قرار گرفته است و گویا در آشپزخانه محل اقامت مریم رجوی در اورسورواز فرانسه مشغول انجام کارهای سطح پایین می باشد!

حتی شنیده شد که او در نشستی که مخالفت شدید خود را با مواضع سازمان مطرح کرده بود توسط مهدی ابریشمچی همسر اول مریم قجر



## مجاهدین همانند غده

### سرطانی هستند

۱۳۹۳/۱/۱۸

یکی از نمایندگان پارلمان عراق گفت که گروه تروریستی مجاهدین همانند غده سرطانی است که صدام آن را در بدنه عراق کاشته است.

یکی از نمایندگان پارلمان عراق با اشاره به اینکه گروه تروریستی مجاهدین باری سنگین بر دوش عراق به شمار می‌رود گفت که این گروه همانند غده سرطانی است که صدام آن را در بدنه عراق کاشته است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) عالی‌یه نصیف در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی الرای با اشاره به ارتباط بسیاری از سیاستمداران عراقی با این گروه تأکید کرد که دولت باید اعضای این گروه را از کشور بیرون کند چرا که آنها همانند غده سرطانی هستند که صدام آنها را در بدنه عراق کاشته است.

او کسی بود که در تمامی ملاقاتهای رجوی با مسئولین عراقی حضور داشت و تمامی زد و بندهای سازمان با حکومت صدام را می‌دانست!

اما واقعیت این است که آش خیانتها و رذالتهای رجوی آنقدر شور شده است که دیگر مسئولی همچون (برادر بهنام) هم بریده است!!

اما هشدار به مسئولین حقوق بشر دنیا: اگر بزودی در خبرها شنیدیم که آقای محمد سید المحدثین بدلیل ایست قلبی یا سرطان دار فانی را وداع گفته است اصلاً تعجب نکنید!

چرا که این شگرد فرقه رجوی است و دوست و یار و غریبه و دشمن هم ندارد.

منطق رجوی این است که یا صد در صد مرا قبول دارد و مرا مثل خدا می‌پرستد یا اینکه باید ایست قلبی کند و بمیرد!

ای دوستان (برادر بهنام) نه ناراحتی قلبی داشت و نه مریضی خاصی! اتفاقاً از سرخ و سفیدی همیشه شاخص بود.

پس اگر طوری اش شد شک نکنید که نسخه اش را پیچیده اند! و این منطق فرقه رجویست! این منطق تمامی فرقه‌های دنیاست! که هرکس که بخواهد از ما جدا شود باید بمیرد خصوصاً کسی چون محمد محدثین! البته سوء تفاهم نشود قصد بنده از نوشتن این مطلب این نیست که نگران حال کسی همچون محمد محدثین هستم هرگز!! چون خود این شخص هم همیشه در تمامی جنایت رجوی درکنار او و حامی او بوده است هدف من عنوان شدت رذالت فرقه رجویست که به نزدیکترین یارانش هم رحم نمیکند! حال ای دوستان شاید متوجه شده باشید که چرا دیگر اعضای این فرقه کمتر جرات جدایی پیدا می‌کنند. البته مانند (برادر بهنام) ها در سازمان بسیار هستند!

مراد



## یکی از احزاب پارلمان عراق: عربستان سعودی و اسرائیل از سازمان خلق برای ناامن کردن عراق استفاده می کنند

یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۲

سایت الرای العالم

"خالد الاسدی" رئیس حزب "الدعوه الاسلامیه" در پارلمان عراق از وجود یک برنامه زمانی و اجرای اقداماتی توسط دولت عراق با همکاری سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا برای اخراج عناصر گروه تروریستی خلق از کشور خبر داد. در همین راستا "بشری نواف الرماحی" عضو حزب "صادقون" و نامزد استان بغداد در انتخابات پارلمان عراق تصریح کرد که عربستان سعودی و اسرائیل از گروه تروریستی خلق برای ضربه زدن به امنیت عراق و برهم زدن ثبات و استقرار آن استفاده می کنند. وی اظهار داشت سازمان خلق عبارت از پایگاهی اسرائیلی در عراق است. "خالد الاسدی" نماینده پارلمان عراق عنوان کرد: «دولت عراق نسبت به اجرای قانون اساسی متعهد است؛ قانونی که بر منع پذیرش هر گونه گروه یا سازمان تروریستی تأکید دارد. وی افزود: «سازمان خلق، گروهی تروریستی است و قانون اساسی داریم که وجود آن ها در کشور را منع می کند و این همان چیزی است که با هیئت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در رابطه با آن به توافق رسیدیم.» نماینده پارلمان و عضو ائتلاف "دولت قانون" همچنین ضمن اشاره به مخالفت مردمی با حضور گروه تروریستی خلق در کشور خاطرنشان کرد: «این موضع دولت، ملت و پارلمان عراق است و همه مخالف با حضور آنان در کشور هستند چرا که قانون اساسی ما این مساله را منع می کند.» در همین راستا "بشری نواف الرماحی" عضو حزب "صادقون" و نامزد استان بغداد در انتخابات پارلمان عراق تصریح کرد: «عربستان سعودی و

اسرائیل از گروه تروریستی خلق برای ضربه زدن به امنیت عراق و برهم زدن ثبات و استقرار آن استفاده می کنند. سازمان خلق عبارت از پایگاهی اسرائیلی در عراق است.» "الرماحی" تأکید کرد که بقای سازمان خلق در خاک عراق به ضرر مردم و روند سیاسی در این کشور است. وی بر وجود برخی طرف های خارجی که از گروه تروریستی خلق به عنوان ابزاری برای ایجاد مشکلات در عراق استفاده می کنند، تأکید نمود. نامزد انتخاباتی استان بغداد همچنین اظهار داشت که سازمان خلق در جهت شعله ور کردن آتش فتنه و تفرقه میان طرف های سیاسی مختلف در کشور اقدام کرده است که این اقدام با دستور مستقیم افسران موساد اسرائیل صورت گرفته است. وی خاطر نشان کرد: «بقای این گروه در داخل خاک عراق به نفع ثبات و استقرار این کشور و روند سیاسی در آن نیست؛ چرا که این سازمان با حمایت خود از رژیم سرنگون شده عراق، در کشتار مردم این کشور دست داشته است و همچنان به نقشه پلید خود ادامه می دهد؛ به طوری که شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می دهد میان این گروه و عربستان سعودی و همچنین اسرائیل ارتباط و همکاری وجود دارد و از این گروه به عنوان ابزاری برای برهم زدن اوضاع عراق و اقدام در جهت ناامن کردن آن استفاده می شود. این سازمان هیچ گاه از دخالت های خود در امور داخلی عراق دست نکشیده است و وجود این سازمان غیر قانونی به حساب می آید. این افراد پناهنده نیستند و حق پناهندگی قانونی شامل آنان نمی شود.»

"بشری نواف الرماحی" در رابطه با حمایت برخی طرف های سیاسی داخلی در عراق از این گروه اظهار داشت: «این گروه از حمایت همه جانبه برخی سیاستمداران عراقی که عضو "لیست العراقیه" و "حزب اسلامی" هستند، برخوردار است.»



## دفاتر انجمن نجات

| نام استان             | تلفن - فکس - صندوق پستی                                              |
|-----------------------|----------------------------------------------------------------------|
| آذربایجان شرقی        | تلفن : ۰۴۱۱۳۳۷۹۴۳۰ همراه : ۰۹۱۴۱۱۶۴۲۶۷ صندوق پستی : ۵۱۳۸۵-۱۶۳۱       |
| آذربایجان غربی        | تلفن و فکس : ۰۴۴۱۲۲۵۲۷۹۳ همراه : ۰۹۱۴۱۴۵۱۵۶۰ صندوق پستی : ۵۷۱۵۵-۱۱۵۷ |
| اردبیل                | تلفن : ۰۴۵۱۲۲۵۴۱۰۶ صندوق پستی : ۵۶۱۳۵/۱۶۱                            |
| اصفهان                | تلفن : ۰۳۱۱۲۶۵۰۶۷۶ همراه : ۰۹۱۳۳۰۳۶۰۱۳ صندوق پستی : ۸۱۴۶۵/۱۴۹۹       |
| ایلام                 | تلفن : ۰۹۱۹۳۱۴۴۳۶۷ فکس : ۳۳۳۱۹۸۲ - ۰۸۴۱ صندوق پستی : ۶۹۳۱۵-۳۹۵       |
| بوشهر                 | تلفن : ۰۹۱۷۱۷۱۲۴۰۲                                                   |
| تهران                 | تلفن : ۰۲۱۸۸۹۶۱۰۳۱ فاکس : ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ صندوق پستی : ۱۴۱۴۵/۱۱۹         |
| چهارمحال و بختیاری    | صندوق پستی : ۸۸۱۵۵-۵۱۵                                               |
| خراسان رضوی - مشهد    | همراه : ۰۹۱۵۱۰۹۳۲۶۰ تلفن : ۸۸۳۸۳۸۹ - ۰۵۱۱ صندوق پستی : ۹۱۷۳۵-۷۸۶     |
| خوزستان - اهواز       | تلفن : ۰۶۱۱۳۳۶۲۸۹۱ همراه : ۰۹۱۶-۱۴۱۵۹۲۱ صندوق پستی : ۶۱۵۵۵۱۱۶۱       |
| خراسان جنوبی - بیرجند | صندوق پستی : ۳۶۷ - ۹۷۱۷۵                                             |
| زنجان                 | تلفن : ۰۲۴۱۷۲۸۶۳۲۰ صندوق پستی : ۴۵۱۹۵/۱۴۵۶                           |
| سمنان                 | تلفن : ۰۲۳۱۴۴۳۸۰۸۳ همراه : ۰۹۱۹۴۳۲۱۸۱۷۷ صندوق پستی : ۳۵۱۴۵-۴۱۳       |
| سندج                  | تلفن : ۰۹۱۸۶۴۶۶۸۸۷ صندوق پستی : ۶۶۱۳۵-۳۶۱                            |
| سیستان و بلوچستان     | تلفن : ۰۵۴۱۳۲۵۰۶۳۹ همراه : ۰۹۳۶۴۲۴۰۸۴۴ صندوق پستی : ۹۸۱۵۵-۵۱۵        |
| خراسان شمالی          | تلفن : ۰۹۱۵۷۹۶۶۰۴۹ صندوق پستی : ۱۴۷۹ - ۹۴۱۵۵                         |
| فارس - شیراز          | تلفن : ۰۷۱۱۲۳۴۴۵۵۴ صندوق پستی : ۷۱۵۵۵ - ۵۴۵                          |
| قم                    | تلفن : ۰۲۵۱۷۸۳۵۷۵۰                                                   |
| قزوین                 | تلفن : ۰۹۱۲۱۸۲۲۸۳۵ صندوق پستی : ۳۴۱۸۵ - ۳۱۴۵                         |
| کرمان                 | تلفن : ۰۹۱۳۳۹۳۱۹۳۰ صندوق پستی : ۷۶۱۳۵ - ۳۵۴۶                         |
| کرمانشاه              | تلفن : ۰۸۳۱۸۲۲۹۷۴۷ صندوق پستی : ۱۶۶۳ - ۶۷۱۵۵                         |
| کرج                   | تلفن : ۰۲۶۳ ۲۲۰۳۲۴۲ همراه : ۰۹۳۵۸۱۷۹۹۵۸ صندوق پستی : ۱۶۹۱ - ۳۱۵۸۵    |
| کهگیلویه و بویر احمد  | صندوق پستی : ۳۷۷                                                     |
| گلستان - گرگان        | تلفن : ۰۱۷۱۲۲۶۰۲۳۴ همراه : ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ صندوق پستی : ۸۶۷ - ۴۹۱۷۵      |
| گیلان - رشت           | تلفن : ۰۱۳۱۷۷۳۰۰۵ کد پستی : ۳۶۸۳۵ - ۴۱۷۹۹                            |
| لرستان                | تلفن : ۰۶۶۱۳۲۴۱۲۱۲ صندوق پستی : ۶۸۱۳۵/۱۸۷                            |
| مازندران - ساری       | تلفن : ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲ صندوق پستی : ۱۵۱۳ - ۴۸۱۷۵                         |
| مرکزی - اراک          | تلفن : ۰۸۶۱۴۰۲۹۲۶۳ صندوق پستی : ۱۳۱۴ - ۳۸۱۹۵                         |
| هرمزگان - بندرعباس    | تلفن : ۰۹۳۶۲۸۸۲۸۶۶                                                   |
| همدان                 | تلفن : ۰۹۱۸۸۱۲۶۰۱۲ صندوق پستی : ۹۶۶ - ۶۵۱۵۵                          |
| یزد                   | تلفن : ۰۳۵۱۶۲۰۲۵۲۶ صندوق پستی : ۵۹۴ - ۸۹۱۶۵                          |





[WWW.NEJATNGO.ORG](http://WWW.NEJATNGO.ORG)

**E.MAIL: [info@nejatngo.org](mailto:info@nejatngo.org)**